





شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه خواهران  
مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران  
حوزه علمیه معصومیه – شیراز  
معاونت پژوهش

موضوع :

## اثر دعا در تحکیم ارتباط اعضای خانواده

استاد راهنما:

خانم آهنگران

نگارنده :

بهاره کفاش

پاییز ۱۳۹۷

## چکیده:

انسان موجودی است که دو بعد جسمانی و روحانی دارد ، نیاز به دعا یکی از اساسی ترین نیاز انسان در بعد روحانی او می باشد. دعا علاوه بر ایجاد آرامش در انسان در پرورش و تکامل او تاثیر گذار است در واقع باید گفت دعا موجب گرایش انسان نسبت به دین و مانع از افتادن او در پوچی و بی هدفی می شود و موجب بقای آدمی می گردد. دعا ارتباط آدمی با خالق هستی بخش است که موجب تسکین روح و روان و همچنین تقویت قوای روحی می شود. دعا و ارتباط با خالق موجب می شود آدمی تمام تلاش خود را برای قرار گرفتن در مسیر الهی انجام دهد ، پس بدون شک مقدماتی را فراهم می کند تا خانواده خود را هم در این مسیر قرار دهد و می کوشد از آثار دعا در روابط خانوادگی خود بهره مند شود. در نهایت دعا باعث ایجاد محبت در بین اعضای خانواده و همچنین تحکیم بنیاد خانواده می شود. در این نوشته جایگاه دعا در قوام و تحکیم خانواده مورد بررسی قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: دعا، تأثیر دعا، خانواده ، سلامتی ، نشاط

## مقدمه

خانواده از نظر عرف عبارت است از زن و فرزندان و خویشاوندان مرد و زن و در اصطلاح شرعی، خانواده جماعت و گروهی هستند که زیر بنای جامعه را تشکیل می دهند و بنای آن بر روابط همسری بین زن و مرد استوار است که پیامد آن وجود فرزندانی است که به وجود می آیند. کلمه «الاسره» در لغت ( ابن منظورالمصری، ۱۴۰۵، ق: ۴/۲۰) خانواده و خویشان مرد از سویی این کلمه به معنای زره سخت و محکم نیز به کار رفته است، از این رو خانواده و خویشان نزدیک همچون زرهی هستند که خود را با آنان نگاه داشته و به پشتیبانی آنان خود را حفظ می کنند. این کلمه در قرآن به کار نرفته اما کلمه اهل که گاهی مفهوم خانواده و همسر را می دهد در قرآن به کار رفته است، اهل الرجل - یعنی کسانی که نسبی یا دینی یا چیزی همانند آنها مثل خانه ای و شهر و بنایی آنها را با یکدیگر جمع و مربوط می کند و آنها را اهل و خانواده آن شخص گویند، پس - اهل الرجل - در اصل کسانی هستند که مسکن و خانه ای واحد، آنها را در یک جا جمع و فراهم می آورد.

سپس این معنی توسعه یافته و گفته اند - اهل بیت - به طور مطلق به خاندان پیامبر (صل الله علیه و آله) اطلاق شده است و آنها با این اصطلاح شناخته شده اند چنانکه در این آیه قرآن آمده است (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت) (احزاب ۲۳) اهل الرجل - به همسر مرد نیز تعبیر شده است و اهل الاءسلام - کسانی هستند که دین اسلام آنها را تحت این اصطلاح جمع می کند در حالی که شریعت و دین به برداشتن حکم نسبی در خانواده و در بیشتر احکام میان مسلمان و کافر حکم کرده است، مانند آیه (انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح) (هود ۴۶) ( که درباره پسر نوح است به علت نافرمانی از پدرش در تبعیت نکردن از دین، گویی از نسبیت خارج شده و خداوند او را به عنوان عمل غیر شایسته معرفی می نماید) و همین طور آیه ( و اهلک الا من سبق علیه القول) (هود/۴۰) صیغه های ماضی و مضارع و مصدر این کلمه چنین است - اهل الرجل یا اهل اهولا - و مکان - مأهول - همان محل و منزل خانواده است که در آنجا ساکن اند.

اسلام برای تحکیم و استواری پایه های این نوع خانواده بیشترین توجه و اهتمام را نموده است و منظور از خانواده در تحقیق حاضر همین معنای آن است. خانواده در مفهوم متوسط آن شامل اقوام و خویشان، مانند پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و... می شود و اینها کسانی هستند که در بحث صله رحم مورد نظر می باشند و رعایت و محبت به آنان موجب برکت عمر و روزی و آبادانی

سرزمین ها دانسته شده است. خانواده بزرگ، شامل همسایگان، دوستان و دیگران می شود که خداوند اساس ارتباطشان را بر «اخوت» قرار داده و همه را به محبت و ارتباط متقابل و تفاهم فراخوانده و فرموده: (انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم) (الحجرات/ ۱۰)

در قرآن از سویی خانواده مایه آرامش دانسته شده و گفته شده: (من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمه) و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید .

## ۱- دعا

### ۱-۱- معنای لغوی دعا

دعا در زبان عبری به معنی خواندن و ندا کردن است.

دعا فلاناً: صاح به و ناداه، دعا الله: رجا منه الخير<sup>۱</sup> فلانی را خواند یعنی به او بانک زد و ندایش کرد و خدا را خواند یعنی از او امید خیر برد. الدعاء: (الرغبة الى الله تعالى، دعا دعاء و دعوى) توجه کردن به خداوند متعال<sup>۲</sup> و در کتاب مفردات الفاظ قرآن درباره ی معنای لغوی دعا می‌خوانیم: الدعاء كالنداء الا ان النداء قد يقال بيا أو ايا و نحو ذلك من غير أن يضم اليه الاسم و الدّعا لا يكاد يقال إلّا اذا كان معه الاسم نحو يا فلان، و قد يستعمل كلّ واحدٍ منهما موضع الآخر. قال تعالى (كمثل الذي ينطق بما لا يسمع إلا دعاءً و نداءً)<sup>۳</sup>

دعا مانند ندا می‌باشد به جز اینکه در ندا گفته می‌شود بشتاب به سوی من و مانند آن بدون آنکه اسم به آن ضمیمه شود و دعا گفته نمی‌شود به جز زمانی که همراه با آن اسم و آنچه شبیه به آن است باشد و گاهی هریک از آنها جای دیگری به کار می‌رود و در کتاب المنجد به معنای او را صدا زد، او را فراخواند به کار رفته است.<sup>۴</sup> دعا هم چنین به معنی درخواست انجام دادن چیزی نیز آمده است.<sup>۵</sup>

### ۱-۲- معنای اصطلاحی دعا

در تعریف اصطلاحی این لغت در کتاب لسان العرب می‌خوانیم:

دعا در اصطلاح روی آوردن به خداوند است و درخواست از خدا با حالت تضرع و خضوع است گاهی اوقات به تمجید و سپاس و ستایش پروردگار نیز دعا گفته می‌شود چه آدمی در کنار آن از خداوند طلب و درخواستی داشته باشد و چه حاجت و خواسته ای بیان نکند.<sup>۶</sup>

و در کتاب لغت نامه دهخدا ذیل همین کلمه آمده است:

---

۱- ابراهیم، انیس و دیگران، معجم الوسيط، ترجمه محمد بندرریگی، ج ۱، چاپ هشتم، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۶.

۲- مجدالدین محمدبن یعقوب، فیروزآبادی، معجم القاموس المحيط، لبنان، انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۳۰ق، ص ۴۳۴.

۳- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت-لبنان، انتشارات الاميره، ۱۴۳۱ق، ص ۲۳۸.

۴- لويس، معلوف، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، ج ۱، چاپ پنجم، انتشارات ایران، ۱۳۸۴، ص ۴۷۰.

۵- حسن، عسکری، معجم الفروق اللغویه، محقق بیت الله بیات، ج ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۵۲۴.

۶- محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶۰.

دعا در اصطلاح عبارت است از خداخوانی و استغاثه و زاری و درخواست چیزی برای خود یا دیگران از پیشگاه الهی به عبارت دیگر دعا حاجت خواستن از باری تعالی است با تضرع و اخلاص و البته گاهی نیز غرض از دعا مدح و ثنا می‌باشد.<sup>۱</sup>

و در کتاب ابوالحسن شعرانی چنین بیان شده است که:

دعا در اصطلاح عبارت است از خواستن حاجت از خدای متعال.<sup>۲</sup>

## ۲. مفهوم خانواده

### ۲.۱. معنای لغوی خانواده

خانواده در لغت به معنی خاندان، دودمان و تبار آمده است. والد «والد» از «ولد» (واو، لام و دال) به معنای تولد و پیدایش چیزی از چیز دیگر (۱) اشتقاق یافته است. بعضی اهل لغت معنای آن را آب و پدر دانسته‌اند. (۲) روشن است منظور اهل لغت از واژه «أب» در ترجمه «والد» پدر صلبی است. از کلمات و شواهد آنان مانند «شاة والد» (۳) و «امرأة ولود: زنی با اولاد زیاد» (۴) استفاده می‌شود که اطلاق «والد» بر پدر از حیث تولد و زایش است. در واقع خانواده از زن و فرزندان و خویشاوندان مرد و زن می‌باشد و بنای آن بر روابط همسری بین زن و مرد استوار است که پیامد آن وجود فرزندانی است که به وجود می‌آیند. کلمه «الاسره» در لغت، خانواده و خویشان مرد است، از سویی این کلمه به معنای زره سخت و محکم نیز به کار رفته است، از این رو خانواده و خویشان نزدیک همچون زرهی هستند که خود را با آنان نگاه داشته و به پشتیبانی آنان خود را حفظ می‌کنند. این کلمه در قرآن به کار نرفته اما کلمه اهل که گاهی مفهوم خانواده و همسر را می‌دهد در قرآن به کار رفته است، راغب درباره کلمه «اهل» گفته است:

اهل الرجل - یعنی کسانی که نسبی یا دینی یا چیزی همانند آنها مثل خانه‌ای و شهر و بنایی آنها را با یکدیگر جمع و مربوط می‌کند و آنها را اهل و خانواده آن شخص گویند، پس - اهل الرجل - در اصل کسانی هستند که مسکن و خانه‌ای واحد، آنها را در یک جا جمع و فراهم می‌آورد.

سپس این معنی توسعه یافته و گفته اند - اهل بیت - به طور مطلق به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اطلاق شده است. اهل الرجل - به همسر مرد نیز تعبیر شده است.

---

۱- علی اکبر، دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۹، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲۳.

۲- ابوالحسن، شعرانی، دایره المعارف لغات قرآن مجید، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۲۵۹.

کلمه «عشیره» از دیگر کلماتی است که گاهی معنای خانواده را می‌دهد. راغب در معنای آن گفته است خاندان مرد که بوسیله او آن خانواده تکثیر پیدا می‌کند یعنی به منزله عدد کامل که همان عدد ده است آنها نیز بطور کامل اهل و خانواده او می‌شوند.

## ۲.۲. معنای اصطلاحی خانواده

خانواده کوچکترین و ساده ترین و عمومی ترین واحد اجتماعی است که براساس ازدواج رسمی بین زن و مرد تشکیل می شود و با تولد فرزندان توسعه می یابد. خانواده دارای سه نوع کوچک (خاص یا محدود) و متوسط و بزرگ (عام یا گسترده) است، خانواده کوچک یا محدود و یا خاص به زن و شوهر و فرزندان محدود می‌شود، اسلام برای تحکیم و استواری پایه های این نوع خانواده بیشترین توجه و اهتمام را نموده است و خانواده در مفهوم متوسط آن شامل اقوام و خویشان، مانند پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و... می‌شود و اینها کسانی هستند که در بحث صله رحم مورد نظر می‌باشند و رعایت و محبت به آنان موجب برکت عمر و روزی و آبادانی سرزمین ها دانسته شده است. خانواده بزرگ، شامل همسایگان، دوستان و دیگران می‌شود که خداوند اساس ارتباطشان را بر «خوت» قرار داده و همه را به محبت و ارتباط متقابل و تفاهم فراخوانده است.<sup>۱</sup>

## ۲. اثرات دعا بر خانواده

اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه ی خانواده های سالم و امن پدید آمده است.

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۳.

۲. احمد بن محمد، فیومی، المصاحح المنیر، ص ۶۷۱.

۳. خلیل بن احمد، فراهیدی، العیون، ج ۳، ص ۱۹۸۲.

۴. ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۳، ص ۶۱۵.



علاوه بر این، کارایی و ارزش علم و هنر نیز در صورت برپایی خانواده است و بدون خانواده، نه تنها هویت انسانی بشر نابود می‌شود، بلکه همه ی تلاش های فردی و اجتماعی نیز در حقیقت بی ثمر و نافرجام خواهد ماند.

با توجه به اهمیت خانواده از دیدگاه اسلام، برای تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از پاشیدگی آن تلاش هایی صورت گرفته و دستورالعمل هایی به چشم می‌خورد، از جمله راهکارهای تحکیم روابط خانواده دعای خوب اعضای خانواده در حق یکدیگر است، این دعاها به نوعی در ایجاد محبت و مهربانی بین افراد خانواده و تقویت ارزشهای انسانی و ایمنی در بین آنها نقش بسزا دارد، و آن که دعا کننده به نوعی نسبت به کسانی که ایشان را دعا می‌کند ابراز علاقه و محبت می‌کند، از همین روی به گسترش مهربانی و محبت تاکید شده، از جمله آثار مثبت و خوب دعا در حق افراد از جمله اعضای خانواده آن است که دعا باعث مسرت و خوشحالی افرادی که در حق ایشان دعا می‌کنیم می‌شود.

در مفهوم دعا، خواستن و طلب هم مستتر است، چنانچه در مورد حقیقت دعا باید گفت که آن خواستن چیزی است به وسیله موجود پست‌تر، از موجود برتر، به جهت فروتنی و درماندگی؛ [۱] امام صادق (ع) در مصباح الشریعه می‌فرماید: و حقیقت دعا این است که تمام اعضاء و جوارح با تو موافق و هم‌آواز شده و همه در مقابل حق تعالی طلب حاجت و درخواست مطلب کنند و قلب در مشاهده و حضور پروردگار متعال فانی گشته و تمام اختیار در مقابل عظمت و حکومت او سلب شده و همه امور خود را در ظاهر و باطن به خداوند متعال تسلیم و واگذار کند؛ همان است که گفته می‌شود، چنین انسانی که در مسیر حقیقی دعا قرار گرفت، جهت مستجاب شدن دعایش و البته مقبول واقع شدن خودش، خودش را از هرگونه خطا و اشتباهی مصون می‌دارد و همین اولین تأثیر تربیتی دعا است.

بی‌شک دعا و نیایش یک نوع عبادت و خضوع انسان در برابر خداوند تواناست و همچون عبادات دیگر، از اثر تربیتی فراوان برخوردار است؛ با دقت در آیات و روایات مربوط به آن، در می‌یابیم که دعا، انسان را به معرفت خداوند رهنمون می‌کند، دعا، سبب می‌شود تا بشر به نیازمندی‌های خویش پی برده و در برابر ذات پاک و بی‌همتای پروردگار متعال، خضوع کند، دعا، انسان را با نعمت‌های الهی آشنا ساخته و رابطه‌ای عمیق و استوار میان بنده و خالقش ایجاد می‌نماید. دعا به کمک انسان شتافته و در دستیابی به خواسته‌هایش، وی را مدد می‌کند. دعا، انسان را به مقامی می‌رساند که خویشتن را جز بنده خدا نمی‌بیند و غیر از فرمان او، اطاعت نمی‌کند. خلاصه دعا، خداشناسی، اعتماد به نفس، تقویت اراده و آرامش به انسان می‌بخشد و یأس و نومیدی را از او دور کرده و وی را فردی بلند همت، تلاشگر، هوشمند و امیدوار می‌سازد؛ از همین رو با اذعان به چنین مبانی والدین باید فرزندان را در چنین مسیری تربیت کنند؛ وقتی به فرزند بیاموزند برای استجاب دعا فارغ از زبان، باید جوارح هم در مسیر اجابت دعا قرار گیرد، یعنی باید از هر خطایی که باعث خلل در برآورده شدن دعا می‌شود، چشم پوشید، در اینجا فرزندان خود به خود به روشی اسلامی تربیت می‌شوند.

دعا، حاکی از پشیمانی از نافرمانی‌ها و وسیله ابراز شرمندگی دعا کننده است؛ زیرا هر چه انسان با خدای خویش بیش‌تر انس و الفت گیرد و به او نزدیک شود، بیش‌تر می‌کوشد که به وظایف بندگی و پیروی از فرمان‌های او گردن نهد و رفتاری بر خلاف رضای او انجام ندهد؛ در نتیجه دعا و کوشش و تلاش، موجب می‌شود اعضای خانواده به تعهد خود نسبت به هم بیش‌تر پایبند باشند و در تلاشند تا حقوق دیگری را رعایت کنند و دعا دو بال برای پرواز انسان به سمت کمال و کامیابی دین و دنیا و این دو، هماهنگ و همدوش وسیله رسیدن انسان به تعالی و ترقی است؛ انسان با تلاش، بدون دعا و توجه به خدا به سرانجام مطلوب و سعادت‌بخش نخواهد رسید؛ چنانکه دعای شبانه‌روزی، بدون کار و کوشش، هرگز قدم به پیش نخواهد برد. [۱]

و در جای دیگر امام رضا (علیه السلام) به اصحاب خود فرمودند: بر شما باد به سلاح انبیاء. گفتند: سلاح انبیاء چیست؟ فرمود: دعا. بنا بر تعریف فوق، سلاح، وسیله محافظت در مقابل دشمنان است، پس دعا و ارتباط با خداوند، مانند قلعه ای محکم و امن، اعضای خانواده را در مقابل همه دشمنی‌ها و هجمه‌ها، محافظت کرده و باعث اطمینان خاطر ایشان می‌شود.

برقراری ارتباط با خداوند و با او به راز و نیاز پرداختن در صورتی امکان‌پذیر است که اعمال او خلاف خواست پروردگار نباشد. قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند دعای کسانی را اجابت می‌کند که ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند» [۲] پس سخن گفتن با خدا و طلب حاجت از او، دلی پاک و عملی صالح لازم دارد. چنانکه حضرت علی - علیه السلام - می‌فرمایند: «پرهیزگار باشید و اعمال‌تان را صالح و درونتان را برای خدا خالص کنید تا خداوند دعا‌یتان را اجابت کند.» [۳] و چون شرط به اجابت رسیدن دعا، ترک گناه است، کسی که حقیقتاً درخواستی از خدا دارد، مراقب اعمال و رفتار خود خواهد بود و سعی دارد به درستی با خانواده خود رفتار کند.

خداوند روزی دهنده تمام مخلوقات است اما با دعا می‌توان نعمت‌های بیش‌تر و بهتری به سوی خود جلب کرد. پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «رزق و روزی به عدد قطرات باران از آسمان بر زمین نازل می‌شود تا هر کس به اندازه خود دریافت کند، لکن خداوند زیاده دهنده است پس از فضل خداوند نعمتهای بیش‌تری درخواست کنید.» [۴]

پس با دعا و تلاش و کوشش می‌توان زمینه راحتی بیش‌تر را برای خانواده فراهم کرد.

۱. میرزا جواد، ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه تحریرچی، قم، انتشارات عروج، ۱۳۶۲، ص ۱۳۹.

۲. علیرضا، برازش، قرآن صاعد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴، ص ۳۹.

به هر حال حقیقت دعا یعنی خدا را باور کردن و با تمام وجود به او روی آوردن و داشتن اعتقاد کامل یعنی بر اینکه او توان حل مشکل و یا نجات داعی را از بند هر نوع حوادث دارد، انسان وقتی می تواند به عالم دعا وارد بشود که به طور یقین این معنی را قبول داشته باشد در غیر این صورت دعا مفهومی پیدا نمی کند و انسان عاقل به کار بیهوده دست نمی زند پس داعی در هنگام دعا به حرکت خود ایمان دارد و به عظمت خالق خود در فضای قلب خویش یقین دارد و او را تنها کسی که قدرت برآورد ساختن خواسته هایش را دارد مورد توجه قرار می دهد وقتی که محتوای شیرین دعا برای انسان روشن بشود و او از لذتش کامیاب گردد به تدریج در تمام زمینه ها به خدا روی می آورد و از او استمداد می کند.<sup>۱</sup>

دکتر آلکسیس کارل می گوید: «دعا محکم ترین و بالاترین حلال مشکلات است. تأثیر دعا و نیایش نشانه آزاد شدن انرژی است، همان طور که به کمک تکنیک های علمی انرژی اتمی را آزاد می کنند با استفاده از قدرت دعا واز طریق شگرد های علمی می توان انرژی معنوی را آزاد ساخت. آثار این قدرت انرژی را بر بسیاری از مردم آشکار است»

نیایش از نظر روانشناختی آثار متعددی در روح و روان آدمی دارد از جمله:

## ۲-۱- آثار دعا در روح

### ۱. رهایی از تنهایی و بیگانگی :

نیایش انسان را از انزوای درونی بیرون می آورد و به جمع پیوند می دهد در حقیقت همنشین شایسته ای است که تنهایی و غربت را به انس و الفت تبدیل می کند. شخصی که در حال دعا و نیایش است ، نه تنها خود را بیگانه نمی بیند بلکه با چشم دل می فهمد که در آن حالات عرفانی مجموعه جهان هستی با او همنا هستند.

همانطور که قرآن می فرماید «هر موجودی تسبیح و حمد خدا می گوید ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

[۱]

### ۲. روشندلی :

انسان همین که به حکم ارتباط با معبود خویش جهان را به نور حق و حقیقت روشن دید ، همین روشنی فضای روح او را روشن می کند و در حکم چراغی می گردد که در درونش روشن شده باشد. چنین فردی به

۱. صمد، عبداللهی عابد، شرایط و آثار تربیتی دعا در اسلام، مجله شمیم یاس، ۱۳۸۵، ش ۴۱.

۲. سوره شوری (۴۲)، آیه ۲۶

۳. شیخ حر عاملی، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۶۹.

۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۸۹.

خوبی مشکلات را می بیند و درپرتو عنایات خداوند متعال به حل مشکلات می پردازد و کمتر دچار اضطراب می شود.

### ۳. کاهش ناراحتی ها:

زندگی بشر آکنده از شیرینی ها و تلخی ها، آسایش ورنج، پیروزی و شکست می باشد. لذا بشر موظف است با طبیعت دست و پنجه نرم کند تا بتواند تلخی ها را به شیرینی و شکست ها را به پیروزی تبدیل کند.

نیایش و ارتباط با معبود در انسان نیروی مقاومت می آفریند و تلخی ها را قابل تحمل می گرداند به طوری که لذت زندگی در دوره پیری برای مردم خداپرست و مؤمن از دوره ی جوانی بیشتر می شود و قیافه مرگ در چشم فرد با ایمان انتقال از دنیای فانی به دنیای باقی و از جهانی کوچکتر به جهانی بزرگتر است.

از این رو چنین فردی نگرانی ها و اضطراب خویش را از مرگ با کوشش در کارهای نیک که در زبان دین عمل صالح نامیده می شود، برطرف می سازد و از نزدیک شدن مرگ دچار اضطراب نمی شود.

### ۴. امید و نشاط:

هر انسانی که بخواهد باروانی شاداب و روحیه ای بالا با مشکلات زندگی مواجه شود و با امید و اطمینان، زندگی خویش را ادامه دهد، باید به نیایش پناه برد. راز و نیاز با خداوند به انسان امید و توان می دهد، فرد احساس می کند که به پناهگاه مطمئن متکی است و بدین سان احساس نشاط و توانمندی می کند و اگر این ارتباط با آن منبع عظمت و رحمت قطع باشد، احساس دلتنگی و نگرانی در او ایجاد می شود و به بیماری های روانی گرفتار می شود.<sup>۱</sup>

به این حقیقت بسیاری از روان شناسان و روانکاوان اشاره کرده اند و ایمان به خدا را اساس و پایه پیشگیری و معالجه بیماری های روانی می دانند.

### ۵. پرورش تمرکز ذهن:

اضطراب فکری و تنش های روانی از بیماری های مهلکی است که بشریت قرن حاضر را تهدید می کند. روانکاوان و دانشمندان می کوشند تا راه های کاهش بار فکری انسان ها را پیش بینی کنند و به فکر و روان او استراحت دهند و او را از دگر گونی های روحی نجات دهند.

---

۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۴.

مهار این پراکندگی های فکری و تنسشهای درونی شرط نخست دستیابی به نبوغ ، درایت و فهم مسائل است. به همین دلیل سعی می شود مکان هایی که برای مطالعه و تحقیق در نظر گرفته می شود از آرام ترین ، مطبوع ترین و دل انگیزترین مکان ها باشد تا امکان تمرکز ذهن و رفع نگرانی را فراهم آورد .

نیایش و پرستش اگر با شرایط باطنی و ظاهری انجام شود نه تنها ذهن را در مدار تمرکز می نهد ، بلکه درون را نورانیت و صفا می بخشد و اگر انسان حضور قلب و توجه در نیایش را به خوبی درک کرده باشد، توان آن را پیدا می کند که در یک لحظه تمام قوای ذهنی را متوجه یک چیز بکند و آن پرودگارش می باشد.

## ۶. برخورداری از لذات معنوی:

یکی دیگر از آثار دعا و نیایش برخورداری از یک سلسله لذت هاست که لذات معنوی نامیده می شود.

انسان دوگونه لذت دارد:

یک نوع لذت هایی که به یکی از حواس انسان تعلق دارد و در اثر برقراری ارتباط میا یک عضو با جهان خارج حاصل می شود مانند لذتی که چشم از دیدن و گوش از راه شنیدن و دهان از راه چشیدن می برد.

نوع دیگر لذت هایی است که با عمق روح و جان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاصی مربوط نیست مانند لذتی که انسان از راه احساس و خدمت یا از احترام می برد که نه به عضو خاصی تعلق دارد و نه تحت تاثیر مستقیم یک عامل مادی خارجی است

لذات معنوی از لذات مادی هم قوی تر هستند و هم پایدارتر و لذت و نیایش و دعا برای کسانی که قدر آن را می دانند از این گونه لذات است.

## ۷. برطرف کننده تکبر:

انسان ذاتا خواهان سعادت دنیوی و اخروی است و سعادت وی در گرو پرستش خدا و اطاعت از او است، نیایش این اکسیر عظیم عبارت است از : تلاش و جلوه های معنوی اشرف مخلوقات در پیشگاه خالق اکبر. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «خدایا دلهای ما را به یاد خود و زبان هایمان را به سپاس خود و اندام هایمان را به طاعت خود مشغول گردان» [۱]

## ۸. بازیابی خود:

هنگامی که انسان به مادیات ولذت های حاصل از آن مشغول باشد و همواره در جهت ثروت اندوزی و جاه طلبی و بی بند وباری گام بردارد به تدریج خدا را که مبدا آفرینش موجودات است ، فراموش کرده که این امر منجر به فراموشی خود واقعی می شود.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانفسهم انفسهم و مانند کسانی نباشیم که خدا را فراموش کردند و خداوند نفوس آنان را از یادشان برد». [۱]

بنابراین انسان با نیایش و یاد خدا خود واقعی خویش را که از عالم ربوبی است، باز می یابد و هر توجه او به خدا بیشتر می شود، به همان نسبت با خود آشنا می گردد و به خویشتن جانی تازه و آرامشی ویژه می بخشد.

## ۹. خروج از غفلت:

آخرین پیامد و اثر نیایش که در این نوشتار بدان اشاره میشود ، خروج از غفلت است.

طبیعت زندگی دنیا غفلت زا است، گاهی انسان را چنان به خود مشغول می سازد که همه چیز را فراموش می کند حتی خویشتن را.

دعا و نیایش فرصت خوبی برای بازنگری در اعمال و باز یافتن خویش و نجات از چنگال اهریمن غفلت را فراهم می سازد نیایش انسان را متوجه معاد و روز جزا می کند و باعث خروج انسان از غفلت و بی توجهی می شود.

سوره حمد را سوره دعا نامیده اند، زیرا وقتی انسان در هر روز در نماز چندین بار می گوید به یاد راه مستقیم که راه اولیا و هدایت یافتگان است می افتد و سعی میکند با اعمال و کردار خویش از مسیر صراط مستقیم نلرزد تا به مقام قرب الهی برسد و سعادت آخرت نصیب وی شود. [۲]

پس اگر انسان با دعا این آثار را در خود ایجاد کند می تواند فردی آرام و قوی و تکیه گاهی محکم برای اعضای خانواده خود باشد و آنها را در مسیر دشوار زندگی همراهی کند و باعث از هم نپاشیدن خانواده خود شود.

مضامین عرفانی و حکمت آموز دعاها با اتصال انسان به مبدا کمال و دعوت به تعقل و تفکر شخیت آدمی را تحت پرورش عقلانی قرار داده و او را خدا شناس و خودآگاه می گرداند آنگاه مجاهدت های علمی و عملی با هواهای نفسانی ، تزکیه نفس و حجاب ها را کنار زده محبت خداوند و به تبع آن محبت اهل بیت علیه السلام در قلبش شعله ور گشته و توفیق بیشتری برای بندگی و تقرب به خدا می یابد لذا ضروری است برای اینکه

انسان بتواند با قدرت نامحدود ارتباط برقرار کند آرامش دائمی درقلب خود ایجاد کند که این مهم با دعا و آثار آن بر فرد اتفاق می افتد.

انسان هنگام مناجات ، از مشکلات زندگی به خداوند پناه می برد و با ابراز رنج و اندوه خود از خدا می خواهد که در حل مشکلات و برآوردن نیازهایش به وی کمک کند و این باز گو کردن مشکلات اضطراب را ، سبب تخلیه هیجانی و کاهش اضطراب ها می شود و به ایجاد آرامش در فرد کمک می کند. همچنین انسان هنگام دعا و نیایش احساس حمایت از سوی یک قدرت مافوق همه قدرت ها می کند که این به نوبه ی خود حساس اعتماد به نفس ، امنیت، آرامش را در فرد زنده می سازد.

عملکردهای مذهبی مانند دعا کردن ، حضور در اماکن مذهبی ، خواندن قرآن و سایر متون مذهبی در پیشگیری و کاهش اختلالات روانی و همچنین مشکلات ناشی از آن مانند خود کشی مؤثر است و علاوه بر این می تواند زمینه ساز رشد مناسب برخی ویژگی های شخصیتی مانند اعتماد به نفس بالا و احساس کنترل بر شرایط در افراد باشد که در نهایت در ارتقای سلامت روانی و پیشگیری از بسیار یمشکلات این جنبه از انسان تاثیر مثبت خواهد داشت.

افراد تلاش های زیادی را برای مقابله با این مسائل بکار می برند که درمورد هر فرد منحصر به خودش است. روانشناسان و متخصصان این امر راه های متنوع و متعددی را پیشنهاد نموده اند که موجب ایجاد رضایت از زندگی اعتماد به نفس ، اطمینان به آینده و معنا بخشی به زندگی آدمی گردد. یکی از راه های درمانی مهمی را که برای بیماران مؤثر میدانند متمرکز شدن روی باورها و رفتارهای مذهبی است.

برخی مطالعات اخیر نشان می دهد که ایمان به وجود خداوند به عنوان قادر مطلق و نیروی حمایت کننده و احساس اتصال به چنین نیرویی در کاهش فشار روانی اثر دارد و با اعتماد و توکل به خداوند ، تحمل سختی ها و دشواری های زندگی آسان تر می شود.

ناگفته نماند که فعالیت های مذهبی از قبیل دعا کردن با ایجاد آرامش و کاهش استرس ها علاوه بر اینکه در بالا بردن سلامت روانی اثر بسزایی دارد به برخی از متغیرهای جسمی مانند سیستم ایمنی ، فشارخون و تعداد ضربان قلب و تنفس مؤثر است.

آموزه ای دینی عواطف مثبتی را تولید کرده که این عواطف از طریق دستگاه عصبی خود مختار سبب عملکرد مطلوب دستگاه های فیزیولوژیک از قبیل دستگاه گوارش و غدد مترشحه و غیره می گردند.

---

۱. سوره حشر (۵۹)، آیه ۱۹

۲. سوره حمد (۱)، آیه ۶.

آموزه های دینی از قبیل خیرخواهی ، شاکر بودن، رضایت مندی ، هدف داری تاثیر فراوانی بر سلامتی انسان داشته است چنانکه در علم سایکونور ایمونولوژی وضعیت روانی رابر سیستم ایمنی بدن مورد بررسی قرار داده اند ومتخصصان قائلند هرچه آموزه های مذکور بیشتر تقویت گردند فرد از سلامتی بیشتری برخوردار خواهد بود.

بنابراین می توان گفت خواندن دعاهایی مانند صحیفه سجادیه در تقویت نگرش انسان تاثیر خواهد داشت چرا که تمام آموزه های امام با نگرش مثبت به هستی ارائه شده است.[۱]

<sup>۱</sup> به عبارت دیگر خواندن وتکرار وباور نمودن آموزه های امام سجاد نگرشی مثبت درانسان ایجاد می کند که طبق تحقیقات مطرح در سایکونور ایمونولوژی این امر در سلامت جسم وروان موثر می باشد.

به عنوان نمونه در یکی از آموزه های امام این چنین بیان شده است که امام سجاد در دعای اول وچهل وازه حمد را بیش از چهل مرتبه تکرار کرده و همچنین در دعاهای دیگر حضرت دو کلمه حمد و شکر را مکرر آورده است و این امر نشانگر آن است که امام الگوی فکری جدیدی به نام شاکر بودن در هر حالی را به ما میاموزد .

بنابراین با تکرار کلمه حمد انواع نعمتهای خالق را یاد اوری میکند و در واقع حمد را قالبی برای توصیف خالق و تذکر نعمت برای انسان قرار میدهد و نیایشگر با خواندن دعا روحیه شکر گزاری در او تقویت میگردد و شاکر بودن را تمرین میکند و با تکرار آن شکر گزاری را عادت خود کرده و طبق تحقیقات صورت گرفته ،نیایشگر شاکر از طریق نیایش و شکر گزاری،عواطف مثبت در او تولید شده که این امر سبب عملکرد مطلوب قلب و عروق و سیستم ایمنی وی میگردد و اگر فرد بیمار باشد از این طریق میتواند به بهبودی او کمک کرد و اگر نیایشگر سالم باشد، این امر در ارتقای سلامت او اثر دارد .

در نتیجه با توجه به زندگی پر تنش امروزه و با توجه به مشکلاتی که معمولا خانواده درگیر آن میباشد، دعا یکی از راه های آرامش می باشد . دعا کننده باور دارد که خداوند ناظر بر تمام اعمال ورفتار اوست .از آنچه بر او گذشته و می گذرد و خواهد گذشت، آگاه است با این باور در موضعی فراتر از نسبت به ارتباط خود با خدا قرار می گیرد وقبولی دعای خویش را روشن تر می بیند. او آرامش بیشتری دارد زیرا می داند که خداوند بر خاطرات گذشته او ، برخواسته های نگفته او ، برهنگامه های پر هیجان وبرجسته زندگانی او وبر تغییر حالت ها ورفتار او آگاه است، دعا کننده در حالت خلوص نزد پروردگار آنچه رادر زندگانی گذشته وآینده می اندیشیده وتجربه کرده آزادانه بیان می کند، خواسته هایی را که نگفته در قالب پر هیجان ترین واژه ا به زبان می آورد وبه چگونگی تغییر حالت ها و رفتار های خود درمحضر پروردگار توجه می کند. خواستگاه و پشتوانه تمام احکام دین از جمله نماز ودعا درآن است که فرد عاقل، بالغ ومختار باشد و خدا را محرم اسرار



خود بداند و خدا را حاضر بداند. که حتی به سبب ارتباط با خالق از بسیاری بیماری ها دور میشویم و حتی با ندادن هزینه های درمان به اقتصاد خانواده کمک میشود .

یکی دیگر از مسایلی که در خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است ،تصمیم گیری در موقعیت های مهم زندگی می باشد ،مطالعات جدید عصب شناسان نشان میدهد که برخی کنشهای مغزی با تجربه های معنوی همراه استت به گونه ای که معنویت روی برخی از قسمت های مغز اثر میگذارد ،یکی از این قسمت های مغز بخش لپ گیجگاهی میباشد که دقیقا پشت ناحیه گیجگاهی قرار دارد و عصب شناسان این بخش را منطقه خدا مینامند زیرا با تحریک مصنوعی آن موضوع های معنوی مانند دیدار با خدا ،دعا وغیره پدیدار میشود.

بنابراین انسان با هوش معنوی،میتواند قدرت تشخیص در تصمیم گیری های خود را بالا برده که این امر منجر به سلامت نفس و روان میگردد.چنانچه اسمیت نشان داده ،هوش معنوی سبب شده فرد سازگاری بیشتری و تحمل افزونتری پیدا نماید.

اسمیت برای هوش معنوی ده مهارت برشمرده ، احتمال می رود اگر یکی از مهارت های مذکور را باآموزه های امام سجاد مطابقت داده واگر آموزه های صحیفه الگوی رفتاری نیایشگر شود ، او از هوش معنوی برخوردار خواهد شد واین امر درسلامتی وی اثر دارد.

### ۳- نقش دعا در وظایف پدر و مادر

وظایف پدر و مادر چنان مهم است که خداوند از آن به عنوان «رب» در ردیف «ربانیت» خود سخن می گوید و به فرزندان سفارش می کند که در ضمن دعای خود برای والدین از نقش ربانیت آنان یاد کند.

«... و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا»

«... (و هنگامی که برای آنان دست به دعا برداشتی) بگو ای پرودگار من به این دو رحم کن همانگونه که آن دو در کودکی مرا تربیت کردند.» [۱] اینها و دهها دستورات قرآنی دیگر که وظایف والدین (پدر و مادر) را در برابر فرزند، بیان می کند، دلیل روشن بر تحکیم بنیان خانواده از سوی والدین است. اما در نگاه دقیق تر به دستورات و راهنمایی های رهایی بخش و سعادت بخش اسلام و قرآن و نگاهی به سیره ائمه اطهار علیهم السلام در می یابیم که علاوه بر این دستورات کلی، پدر و مادر هر یک به تنهایی نیز عهده دار بخشی از مسئولیت زندگی و خانواده و ایجاد ارتباط مستحکم در خانواده نیز هستند که در ادامه به آن موارد اشاره خواهیم کرد.

#### ۳-۱. پدر در خانواده

در نظام خانوادگی اسلام، سرپرست خانواده مرد است. در این نظام تقسیم کار بر اساس شرایط و توانایی جسمی و روحی افراد انجام می گیرد.

مراجعه به سیره معصومان علیهم السلام نیز نشان میدهد که آنان خود به نقش پدر در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان اهمیت زیادی می دادند و یاران و پیروان خود را نیز به این امر سفارش می کردند. یکی از اصحاب پیامبر نقل می کند:

«من با گروهی از طایفه خود که همگی در سن جوانی بودیم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم و ۲۰ روز نزد ایشان ماندیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهربان و دلسوز بود زمانی که اشتیاق ما به خانواده هایمان را دید فرمود: به سوی خانواده های خود برگردید و در میان آنان بمانید، آنان را امر (به نماز و سایر دستورات دینی) کنید و به آنان آموزش دهید و چنان که دیدید من نماز میخوانم، نماز بخوانید»

این مطلب به روشنی بیان می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تربیت دینی فرزندان و حتی همسران را وظیفه پدر می داند و براین امر تأکید دارد. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمود:

«پدرم ما را (قبل از طلوع خورشید) جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع خورشید ذکر خدا را بگوییم و به هر کدام از ما که قرائت قرآن می دانست دستور قرائت قرآن می داد.»

آنچه از سیره رفتاری ائمه معصومین علیهم السلام بدست می آید این است که آنان خود به عنوان «پدر» به امر خانواده و فرزندان اهتمام داشتند. در رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام نیز «نیکو ادب کردن فرزندان، راهنمایی او به سوی خداوند عزیز و جلیل و یاری او بر اطاعت» از حقوق فرزندان بر پدران شمرده شده است. این روایت نیز به صراحت «پدر» را مسؤول در امور خانواده و فرزندان می داند.

از مجموع آنچه یاد شد روشن می شود که از نظر ائمه معصوم «پدر» مسؤول فرزندان است و بدیهی است که این سیره ریشه در قرآن کریم دارد. خداوند متعال در قرآن به والدین امر کرده تا به تربیت فرزندان خود اهتمام ورزند. چنانکه در سوره تحریم می فرماید:<sup>۱</sup>

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ... »

«ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگ ها است نگاه دارید...»

با توجه به اینکه که نگاهداشت خود و خانواده از آتش دوزخ، جز از راه عمل به دستورهای خداوند متعال حاصل نمی شود و از سوی دیگر عمل به دستورات خداوند نیز متوقف بر تربیت صحیح است، این آیه دلالت دارد براینکه خداوند متعال والدین را مسؤول تربیت صحیح فرزندان می داند.

این آیه با توجه به روایتی که از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است با قطع نظر از اختلافی که در معنای اهل بیت و زمان نزول آن وجود دارد به روشنی بر این امر دلالت دارد که پیامبر به عنوان مسؤول خانواده موظف شده بود خانواده خود را به نماز امر کند و ایشان نیز این دستور را انجام می داد.

۲در کلام دیگری از امام رضا علیه السلام نیز وظیفه و مسؤولیت مرد در قبال خانواده اش چنین بیان شده است:

«ينبغي للرجل ان يوسع على عياله لئلا يتمنو موته» [۱]

«سزاوار است که مرد، در هزینه ها و خرج ها بر خانواده خود توسعه و گشایش دهد تا آرزوی مرگش را نداشته باشند.»

و نیز آن حضرت می فرماید:

۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۴.  
۱. جر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۸.  
۲. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۸۱.

«بر صاحب نعمت واجب است که بر عیالش بذل و بخشش کند.» [۲]

با دقت و تأمل در کلام نورانی امام (علیه السلام) نکات زیر روشن می گردد:

۱. مرد تأمین کننده نیازمندی های خانواده و مسئول انجام وظایف و کارهای خارج از خانه است.

۲. خانواده از لحاظ مالی و اقتصادی - در حد امکان و توان مالی مرد - نباید در تنگا قرار گیرد.

۳. اگر مرد در توان داشته و بر خانواده اش سختگیری نماید، در آن صورت بنیان خانواده متزلزل گشته و آسایش و امنیت روحی و روانی افراد خانواده از بین خواهد رفت تا جایی که ممکن است آروزی مرگ (مرد) را داشته باشند.

و بدیهی است که خانواده ای با چنین شرایط و صفاتی هرگز نخواهد توانست از ثبات لازم برخوردار باشد و در نتیجه نمی تواند بقیه کارکردهای خود را که مهمترین آنها تربیت فرزندان می باشد به خوبی انجام دهد. و پیامد چنین شرایطی به مخاطره افتادن ارزش های خانواده و به دنبال آن ارزش های اجتماعی است و در نهایت نیز نظم و آرمان اجتماع به هم خواهد ریخت.

پس همانطور که گفته شد، پدر خود باید تربیت شده و دارای آمادگی روحی باشد تا بتواند فرزند خود را تربیت کند و در مسیر حق قرار دهد یکی از ابزار های آمادگی روحی، دعا است که آدمی رانزد خداوند، خاضع و مطیع می کند و سعی دارد برای جلب رضایت خداوند بهترین کارها را انجام دهد پس وظیفه پدری خود را به نحو احسن انجام می دهد.

### ۳-۲- مادر در خانواده

همچنین خداوند عزوجل در سوره مبارکه طه می فرماید:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...»

زن نیز به عنوان مظهر آرامش و مودت و دوستی [۱] و با نقش همسری برای مرد و مادر برای فرزندان در جامعه کوچک «خانواده» و جامعه بزرگ بشری عامل مهم و اساسی برای حفظ ارزش های خانواده به شمار می رود. مراجعه به روایات نشان می دهد که مادران در این زمینه مسئولیت ویژه دارند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

«بدانید همه شما حافظ مصالح هستید و همه شما در برابر کسانی که حافظ مصالح آنان هستید مسؤولید ...

زنان نیز حافظ مصالح خود و خانواده شوهر و فرزندان خود هستند و در برابر آنان مسؤول هستند» [۲]

در این روایت پیامبر گرامی اسلام به صراحت زنان را حافظ مصالح فرزندان و خانواده می داند.

امام رضا (علیه السلام) نقش و وظیفه زن در خانواده می فرماید:

«ما افاد الله عبد فائده خيراً من زوجة صالحه، اذا رأها سرته و اذا غاب عنها حفظته في نفسها و ماله» [۳]

«بنده مؤمن هیچ بهره ای نبرده که بهتر از همسر خوب و شایسته ای باشد که هنگام حضور شوهر مایه خوشحالی او باشد و در غیاب شوهر نگهدار مال و ناموس او باشد.»

از این روایت به روشنی به نقش محوری و اساسی زن در کانون خانواده پی می بریم، چرا که در فرموده امام (علیه السلام) زن از سویی موجبات آسایش و آرامش و سرور خانواده است و از سوی دیگر حافظ و پاسدار حریم خانواده از جهات گوناگون. پس زن باید پیوسته مراقب اعمال و رفتار خود باشد و بادعا و نیایش از خداوند درخواست کند، او را فردی قرار دهد تا نقش خور را در خانواده به خوبی انجام دهد و دعا و نیایش با خدا یکی از راههای موفقیت زن در این مسیر است.

آنچه تاکنون یاد شد مختصری از نقش آفرینی والدین در تحکیم مبانی خانواده بود. و امامان معصوم ما نیز در درگفتار و کردار آن وظایف را فراروی بشریت قرار داده اند تا نسخه ای شفابخش جهت داشتن زندگی سالم تر در دسترس انسان قرار گیرد.

همانطور که گفته شد پدران و مادران در امر تربیت فرزندان مسئولیت خطیری را بر عهده دارند و در این رابطه باید پاسخگو باشند درواقع فرزند پروری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و آن زمینه ساز بسیاری از رشد ها و گاهی نیز انحطاط ها میشود.

کارکرد خانواده تأمین نیازهای فرهنگی، اخلاقی، عاطفی، اقتصادی و انضباطی فرزندان و زمینه سازی برای رشد او در شرایط مطلوب اجتماعی و آماده سازی برای پذیرش وظایف فردی و اجتماعی است. والدین وظیفه دارند موجبات آگاهی کودک را جهت پرهیز از الودگی ها و نابسامانی ها فراهم آورند و تقویت روح مقاومت در برابر سختی ها و مفاسد و الو دگی ها برای او موجبات دوری از ذلت و حقارت ها باشند.

<sup>۱</sup> از انجا که بنا بر مطالعات روانشناختی و آموزه های دینی، عوامل مختلف وراثتی و ژنتیکی و حتی محیطی از آغاز شکل گیری نطفه بر انسان تأثیر بسزایی دارند، باید از دوران انتخاب همسر و حتی پیش از آن برای بر خورنداری فرزندان آینده مان از

تربیتی سالم و مناسب زمینه سازی کنیم. [۱] بر همین اساس پیامبر اکرم از ازدواج با همسران ناشایست نهی فرموده و فرزندان متولد شده از آنها را تباه شده و از دست رفته می شمارد. [۲] امام علی علیه السلام نیز خصلت های زشت و زیبا در روح و روان انسان ها را متأثر از شیر مادران میدانند، [۳] آزمایش های تجربی در

۱. سوره رم (۳۰)، آیه ۲۱.

۲. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۴.

۳. عزیزالله، عطاردی، مسند امام رضا، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالصفوة، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۶.

این زمینه نیز این واقعیت را تایید میکند که انسان از دوران جنینی نسبت به محیط و صداهاى مختلف اطراف خود حساس بوده و به خصوص از مادر و سخنان و روحيات وی اثر مى پذیرد.[۴] به همین دلیل به پدران سفارش شده از روزی حرام اجتناب کنند و آداب ویژه را به هنگام هم بستری رعایت کنند.

یکی از کارهای والدین برای تهذیب نفس دعا و نیایش به درگاه خداوند میباشد، دعا موجب توجه ادمی به درون خود میشود و اینکه همیشه به یاد خالق است و در هر حال خود را در محضر خدا میبیند و سعی دارد از انجام گناه دوری کند.

یکی از وظایف والدین در هنگام عبادت و دعا کردن، دعا در حق فرزندان، میباشد، فرزند همواره محتاج دعای پدر و مادر است. دعای پدر و مادر در حق فرزندان از دعا هایی است که زود مستجاب میشود. بنابراین دعای پدران و مادران برای فرزندان، نقش مؤثر و سرنوشت ساز دارد. دعا برای خوب تربیت شدن فرزند و سعادت او و همچنین صبوری و مقاومت او در تمام مراحل زندگی، از ابزارهای تربیتی و بلکه نوعی کوشش برای تربیت و پرورش کودک است. چه اینکه دعا حاکی از نوعی ارزش و تقاضاست و تا زمانی که در نهان فرد علاقه به چیزی وجود نداشته باشد برای رسیدن به آن دست به دعا بر نمیدارد. پیامبران و پیشوایان معصوم عملاً این درس را به ما آموخته اند، آنان برای تربیت و سرنوشت خوب آینده فرزندان، از خدا کمک میخواستند. به عنوان نمونه دعای امام سجاد علیه السلام میباشد که میفرماید «خداوند! بر من منت گذار به بقای فرزندانم و به شایسته نمودن ایشان برای منع و به برخورداری من از آنان. خداوند! عمر آنان را برای من طولانی گردان و بر ایام زندگی شان برای من بیغزا و خردسالشان را برایم تربیت کن و ناتوانشان را برایم نیرو ده و بدن ها و دینشان و اخلاقشان را برایم به سلامت دار.»

به اعتقاد پیشوایان ما، فرزند صالح پدر و مادر را در پیشگاه خدا و خلق سرافراز میکند و قطعاً مقام و مرتبت آن ها را از لحاظ بندگی ارتقا می بخشد برای داشتن فرزند صالح و تربیت مذهبی کودک باید او را بر اساس دین باوری تربیت کرد.

فرزندان ما در هر شرایطی و در هر موقعیتی باید به طور عمیق دریابند که زندگی و زندگی کردن بیهوده نیست و ما هدفمند آفریده شده ایم و برای رسیدن به این هدف باید مراحل را طی کنیم و در این راه همتی بلند نیاز داریم از این رو باید اهمیت دین و پابندی به اصول اخلاق و آیین دینی را برای فرزندانمان روشن کنیم.

آن ها باید بدانند که همه نابسامانی های عصر حاضر از آثار بی دینی است که یکی از اعمال دینی دعا کردن است. دعای خیر هر یک از اعضای خانواده برای دیگری موجب تحکیم پیوندهای خونی و عاطفی شده و این خانه به خانه ای پر نور و معنوی تبدیل شده و پایداری امن و آرام و پویا برای همه اعضا می شود و از نابسامانی ها دور می شود.

رضایت هر یک از افراد خانواده از دیگران بر اثر رعایت حقوق دیگری موجب دلگرمی و احساس پشتیبانی برای هریک از آنان در فعالیت های زندگی می شود. محیط خانواده در سایه احکام اسلامی و تربیت قرآن تبدیل به کانون مهرورزی و ابراز عواطف<sup>۱</sup> عالی انسانی و ارزشمند و نیز مرکز مشارکت و همکاری و احساس مسئولیت در تصمیم گیری ها و امور مهم و حیاتی زندگی می شود که در این امر دعای پدر و مادر و آموزش دعا و ارتباط با خالق به فرزندان نقش مهمی دارد. همانطور که در دین اسلام بسیار تأکید شده است.

<sup>۲</sup> جامعه نیز چشم انتظار چنین خانواده هایی است. خانواده هایی که ساختمان فکری و ساختار روحی و تربیتی آنان بر اساس موازین و معیار های اصیل انسانی و فطری و موافق با ارزش ها و مقدسات دینی و بشری پی ریزی شده است. چنین خانواده هایی که در جریان ناموافق و تندبادهای منحرف و غیر اخلاقی جامعه دچار تزلزل و لغزش نمی شوند. آنها نه تنها تحت تأثیر قرار نمی گیرند بلکه با توجه به ساختار تربیتی و اخلاقی قوی و هدفمند به طرز مطلوب و پسندیده ایی بر اجتماع نیز تأثیر می گذارند و بدین ترتیب جریانات اجتماعی را به سوی نهادهای ارزش و حقیقی و کمال مطلوب انسان راهبری و هدایت می کنند.

از دیگر موضوعاتی که بنیاد خانواده را تحکیم میبخشد و در ابتدا باید بین پدر و مادر صورت گیرد تا فرزندان از آنها بیاموزند، رعایت اخلاق نیکو است که یکی از راه های کسب اخلاق نیکو، دعا می باشد. زیرا دعا باعث تلطیف روح می شود.

در تعریف خلق باید گفت: «خلق عبارت از شکل درونی انسان است، چنانکه خلق شکل ظاهری اشیا است. غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می شود و به اعمالی که از این خلیات ناشی گردد نیز اخلاق می گویند.» [۱]

و این که اخلاق عبارت است: اصلاح و پیراستن قوای نفس. غزالی معتقد است اخلاق، هیئتی رسوخ یافته در نفس است که باعث می شود انسان با سهولت و بدون تأمل و اندیشه رفتار نماید. این حالت زمینه صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند است. [۲]

با رجوع به تعریف های اخلاق مشخص می شود که رابطه ی اخلاق و خانواده، رابطه ای کاملاً مستقل و الزامی است زیرا انسان جز در محیط امن و سازنده خانواده هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی باشد.

۱. علی، قائمی، نگرش و رفتار دینی در دانش آموزان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۴، ص ۸۳.

۲. محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳، ص ۲۳۶، ۲۳۷.

۳. محمد بن یعقوب، کلینی، فروع کافی، ج ۶، ۳، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۴۴.

۴. غلامعلی، افروز، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۳.

۱. محمد رضا، مهدوی کنی، نقطه های آغار در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۳.

۲. محمد، غزالی، کیمیای سعادت، ج ۲، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۳۶.

۳. ویل دورانت، لذات فلسفه، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۶۵ و ۸۱.

بنابراین انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف و نقص است طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می باشد. به طور کلی استواری و محکم بودن خانواده ها حاصل پابندی های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج خلقی است.

حسن معاشرت از دیگر شاخه های اخلاق نیکو است. حکما در حکمت عملی تدبیر منزل را بر سیاست مدن مقدم می دانند و البته تهذیب اخلاق بر تدبیر منزل نیز مقدم است. در حکمت عملی، اول فرد را مهذب می سازند تا خانواده ای را بنا کنند و به تبع آن خانواده های تدبیر یافته و سامان گرفته جامعه ای زنده و سالم بسازند.

جامعه ی سالم و زنده با صنعت و ماشین به دست نمی آید، بلکه مناسبت های اخلاقی و روابط حسنه ی الهی، سازنده جامعه ی سالم و زنده است.

از معاشرت جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظار نمی رود چرا که خلقت انسان بر اساس محبت است. حسن معاشرت در خانواده در دو محدوده ی مرزهای حقوقی و دستورالعمل های اخلاقی تعیین می شود و تعبیر حسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن است و عامل تحکیم زندگی خانوادگی می باشد.

حساسیت محیط خانواده اهداف بلند مدت و مقدس آن اقتضا می کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس بسازند.

بنابر آنچه بیان شد نگاه اسلام به زن مبتنی بر انسانیت انسان است و این همان نقطه ضعف گروه های مختلف فمینیستی است که جنبه ی غالب در آنها بحث جنسیت است و به همین خاطر نه تنها نتوانسته اند، مسائل پیش روی زن معاصر را حل و فصل کنند، بلکه مشکلات میان زن و مرد را بحرانی تر کرده اند.

خوب می دانیم که زندگی صحنه ی صلح و جنگ، مهر و خشم و جذب و گریز است و نیز روشن است که زندگی با صلح و مهر و جذب شیرین ترین است. نکته دیگر اینک هر رسیدن به گلستان زیبای صلح و آرامش و مهر و جذب بدون از خود گذشتگی، ایثار و تحمل سختی ها محال است.



## فصل چهارم: تأثیر دعا در تحکیم روابط والدین با فرزندان

دعای والدین درباره فرزندان از جمله دعاهایی است که در متون اسلامی به اهمیت آن پرداخته شده است. طبق روایات معصومین (علیهم‌السلام) دعای والدین در حق فرزندان خود، بی شک مورد استجابت قرار می‌گیرد. چنان‌که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند:

پدرم می‌فرمود: «خمس دعوات لا يحجب عن الربّ تبارك و تعالی: دعوه الإمام المقسط و دعوه المظلوم يقول الله عزّ و جلّ: لأنتقمنّ لك و لو بعد حين و دعوه الولد الصّالح لوالديه و دعوه الوالد الصّالح لولده و دعوه المؤمن لأخيه بظهر الغیب، فيقول: و لك مثله»<sup>۱</sup>؛ پنج دعا است که از [راهیابی به] درگاه پروردگار متعال بازمی‌ماند: دعای پیشوای دادگر، دعای مظلوم که خداوند عزوجل می‌فرماید: بی گمان از ستمگر بر تو انتقام خواهم کشید هرچند پس از زمانی باشد. دعای فرزند صالح برای پدر و مادر. دعای پدر صالح برای فرزندش. دعای مؤمن برای برادرش در پشت سر او که خداوند می‌فرماید: همانند آن دعا، از آن توست.

قرآن کریم به عنوان برنامه کامل زندگی، دعا‌های متعددی را از زبان انبیاء و اولیای الهی بیان می‌کند که برای فرزندان و نسل‌های آینده خود دعا نموده‌اند. در سوره فرقان دوازده ویژگی برای "عباد الرحمن" آمده است که یازدهمین ویژگی آن‌ها، این است که ایشان به خانواده، همسر و فرزندانشان اهمیت ویژه‌ای می‌دهند. در آیه ۷۴، آن‌ها این‌چنین برای همسران و فرزندان خود دعا می‌کنند: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»<sup>۲</sup>؛ و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»

در این آیه شریفه اولیای خاص خداوند از او درخواست می‌کنند که همسر و فرزندانشان را مایه چشم روشنی و سرفرازی آن‌ها قرار دهد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که چه ویژگی در فرزندان باعث چشم روشنی اولیای خاص خداوند می‌شود؟ طبق فرموده‌ی امام علی (علیه‌السلام)، اگر فرزندان خداترس و مطیع حق باشند موجب چشم روشنی هستند. ایشان می‌فرمایند:

«ما سألت ربی أولادا نضر الوجه و لا سألته ولدا حسن القامه، ولكن سألت ربی أولادا مطيعين لله و جليل منه حتى إذا نظرت إليه و هو مطيع لله قرت عینی»<sup>۳</sup>؛ از پروردگارم فرزندی زیبا و خوش قامت نخواستم، اما از او خواستم که به من اولادی بدهد که مطیع خدا باشند و خداترسی در آن‌ها دیده شود تا هر وقت به او نظر کنم در حالی که او را مطیع حق باشد، چشمم روشن شود.

۱ - اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۹.  
 ۲ - سوره فرقان (۲۵) آیه ۷۴.  
 ۳ - بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸، حدیث ۶۶.  
 ۲۶

قطعاً داشتن فرزندی با این ویژگی‌ها نیازمند تربیت صحیح و تلاش و کوشش فراوان است و نباید آن‌ها به حال خود رها شوند به همین جهت وظیفه و مسئولیت سنگینی بر عهده‌ی والدین است. دعایی که در آیه ۷۴ سوره فرقان آمده است، اهداف متعالی تربیت فرزندان را به والدین خاطر نشان کرده و هدف اولیای خاص خدا را از تربیت فرزندان‌شان بیان می‌کند. آن‌ها می‌خواهند فرزندان‌شان مایه چشم روشنی و مطیع محض خداوند باشند. ایشان به این مطلب با تمام بزرگی و عظمت‌اش اکتفا نکرده و مقامی متعالی‌تر، برای آنان از خداوند مسئلت می‌نمایند که همان مقام امامت و پیشوایی متقین و پرهیزگاران است. پس این دعا بیانگر این نکته است که روش تربیتی و مسیر رشد و تعالی روحی فرزندان باید به گونه‌ای انتخاب شود که نهایتاً به چنین مقام و جایگاهی ختم شود. تربیت نسلی با این ویژگی‌ها امری دشوار و مسئولیتی سنگین است که جز با یاری طلبیدن و دعا به درگاه خداوند میسر نیست. بدیهی است منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونیشان بر این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آنچه در توان دارند در تربیت فرزندان و همسران و آشنائی آنها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت فروگذار نمی‌کنند و در آنجا که دستشان نمی‌رسد دست به دامن لطف پروردگار می‌زنند و دعا می‌کنند اصولاً هر دعای صحیحی باید این گونه باشد، به مقدار توانائی تلاش کردن و خارج از مرز توانائی دعا نمودن.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم آیات متعددی به دعای انبیاء و اولیای خاص خداوند اختصاص یافته است که برای فرزندان و نسل‌های آینده خود دعا کرده‌اند که در اینجا برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

#### ۴-۱ دعاهای حضرت ابراهیم (علیه السلام):

در آیه چهارم از سوره ابراهیم، آن حضرت به هنگام دعا برای فرزندان خود به درگاه خداوند چنین عرضه می‌دارد:

---

۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۷.

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»<sup>۱</sup>؛ پروردگارا مرا و فرزندان مرا از برپا دارندگان نماز قرار ده و خداوند این دعا را از من بپذیر.

به فرموده‌ی امام خمینی (رحمه الله علیه)، نماز کارخانه انسان سازی است، در میان تمامی عبادات بی شک، نماز نقش بسزایی در سازندگی معنوی انسان دارد. نماز، محور اصلی دعا‌های حضرت ابراهیم (علیه السلام) است که در حق خود و فرزندانش عرضه داشته است. با آن که رسالت انبیاء، اقامه دین است، اما دعا برای اقامه نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام نمای دین است.<sup>۲</sup> با اقامه نماز، آدمی در طول شبانه روز پنج مرتبه در پیشگاه خداوند حاضر شده و با آن ذات یگانه به راز و نیاز می‌پردازد و همواره به یاد او خواهد بود و همین یاد خداوند باعث می‌شود که او دست از معاصی و گناهان بکشد و از راه راست منحرف نشود به همین دلیل در این آیه شریفه حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند متعال برای فرزندان خود، می‌خواهد که او و فرزندانش را از نمازگزاران و برپا دارندگان نماز قرار دهد. زیرا آن حضرت می‌داند که تا زمانی که فرزندانش از طریق نماز با ذات حق تعالی در ارتباط باشند از ارتکاب به گناهان مصون و محفوظ خواهند ماند و شیطان از آن‌ها دور شده و می‌تواند در مسیر حق و سعادت گام بردارد.

در آیه ۱۲۸ از سوره بقره می‌خوانیم که آن حضرت آن گاه که به همراه فرزندش حضرت اسماعیل (علیه السلام) مشغول ساختن خانه کعبه بودند این چنین دعا کردند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»<sup>۳</sup>؛ پروردگارا، دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز امتی تسلیم رضای خود بدار و راه پرستش و طاعت را به ما بنما و بر ما (وظیفه بندگی را) سهل و آسان گیر، که تویی توبه‌پذیر و مهربان.

مقام تسلیم در برابر خداوند جایگاهی است که آرزوی تمامی انسان‌های عارف به حق بوده و همه آنان که در مسیر رضای خداوند گام برمی‌دارند هدفشان رسیدن به این مقام و رتبه بالارش است. تا روح تسلیم نباشد بیان احکام سودی نخواهد داشت در اینجا حضرت ابراهیم (علیه السلام) ابتدا از خداوند روح تسلیم را تقاضا

۱ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۴۰.

۲ - تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۹۹.

۳ - سوره بقره (۲) آیه ۱۲۸.

می‌کند و سپس راه و روش عبادت و بندگی را می‌خواهد. با آن که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) و حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) هر دو در اجرای فرمان ذبح، عالی‌ترین درجه تسلیم در برابر خدا را به نمایش گذاشتند، اما با این همه در این آیه از خداوند می‌خواهند که ما را تسلیم فرمان خودت قرار ده. گویا از خداوند تسلیم بیشتر یا تداوم روحیه تسلیم را می‌خواهند. توجه به نسل و فرزندان، یک دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است که حاکی از وسعت نظر و سوز و عشق درونی است که بارها در دعا‌های حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) آمده است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲- دعای حضرت زکریا (علیه‌السلام):

از جمله دعا‌هایی که در قرآن از زبان پیامبران در حق فرزندان‌شان شده، آن است که از خداوند درخواست شده که از فرزند ایشان راضی باشد، همان‌گونه که حضرت زکریا (علیه‌السلام) هنگامی که از خداوند درخواست کرد که صاحب فرزندی شود، برایش این چنین دعا کرد: «يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»<sup>۲</sup>؛ جانشینی که از من ارث ببرد و همچنین وارث آل یعقوب باشد، پروردگارا او را مورد رضایت خود قرار بده.

بر اساس این آیه و آیات قبل، حضرت زکریا (علیه‌السلام) از خداوند درخواست فرزندی می‌کند که مرضی وی باشد. کلمه "رضی" به معنای مرضی (پسندیده) است و اطلاق رضاء، اقتضاء دارد که این مطلق شامل علم و عمل هر دو شود پس مراد آن کسی خواهد بود که هم اعتقادش هم عملش مورد پسند باشد، یعنی خدایا او را آراسته به علم نافع و عمل صالح گردان. خدای عزوجل این داستان را در سوره آل عمران هم که سوره‌ای مدنی و بعد از سوره مریم نازل شده و در ذیل داستان مریم آورده و فرموده: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷) هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۸)»<sup>۳</sup>؛ پس پروردگارش وی [مریم] را با حسن قبول پذیرا شد و او را

<sup>۱</sup> - تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

<sup>۲</sup> - سوره مریم (۱۹) آیه ۶.

<sup>۳</sup> - سوره آل عمران (۳) آیات ۳۷ و ۳۸.

نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می شد نزد او [نوعی] خوراکی می یافت [می]گفت ای مریم این از کجا برای تو [آمده است او در پاسخ می]گفت این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد بی شمار روزی می دهد (۳۷) آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [او] گفت پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی (۳۸).

هر کس در این دو آیه دقت کند جای شکی برایش باقی نمی ماند که تنها چیزی که زکریا را به دعا وادار کرد و آن دعای مذکور را نمود همان کرامتی بود که از خدا نسبت به مریم مشاهده کرد و عبودیت و خلوصی بود که مریم نسبت به خدایش داشت. از مشاهده این وضع لذت برد و دوست داشت که ای کاش بعد از او هم فرزندی دارای قرب و کرامتی این چنین می داشت، لیکن از سوی دیگر، متوجه سالخوردگی و ناتوانی خود و پیری و نازایی همسرش شد و به یاد وارثانش که هیچ یک حال و وضعی چون مریم ندارند افتاده، دچار وجد و شعفی سوزان گردید و ناگهان جرقه ای در دلش شعله زد و به یاد این معنا افتاد که خدای تعالی تا این روز از زندگیش وی را به استجاب دعا و کفایت همه مهمات عادت داده بود، لذا دست به دعا بلند کرده و دلی سرشار از امید، ذریه ای طیب درخواست نمود.<sup>۱</sup> خداوند، دعای وی را مستجاب نموده و یحیی (علیه السلام) را به او عطا کرد.

حضرت زکریا (علیه السلام) در مورد فرزندش دعا و درخواستی نموده که به نوعی مطلوب بودن دعای پدر برای فرزندش را نتیجه می دهد و نشان گر آن است که انسان باید برای صلاح و خوبی فرزند خود، حتی قبل از انعقاد نطفه، دعا کند و از سویی این دعا در ایجاد محبت و تحکیم بنیاد خانواده موثر است.

#### ۴-۳- دعای حضرت یعقوب (علیه السلام):

در آیات ۹۶ تا ۹۸ سوره یوسف آمده است: «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶) قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (۹۷) قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۹۸)»<sup>۲</sup>؛ پس چون مژده رسان آمد آن [پیراهن] را بر چهره او انداخت پس بینا

<sup>۱</sup> - تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۴، ص ۹ و ۱۰.

<sup>۲</sup> - سوره یوسف (۱۲) آیات ۹۸-۹۶.

گردید گفت آیا به شما نگفتم که بی شک من از [عنایت] خدا چیزهایی می دانم که شما نمیدانید (۹۶) گفتند ای پدر برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم (۹۷) گفت به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم که او همانا آمرزنده مهربان است (۹۸). آن گاه که برادران حضرت یوسف (علیه السلام) از رفتار گذشته خود نادم و پشیمان شده بودند، از پدرشان (حضرت یعقوب (علیه السلام)) خواستند که برای ایشان از خدا طلب مغفرت کند و حضرت یعقوب (علیه السلام) به آن ها گفت که به زودی برایتان از خداوند طلب مغفرت خواهم کرد.

در کافی به سند خود از فضل بن ابی قره از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده: بهترین وقتی که می توانید در آن وقت دعا کنید و از خدا حاجت بطلبید وقت سحر است آن گاه این آیه را تلاوت فرمود که یعقوب به فرزندان خود گفت: « سوف استغفر لکم ربی » و منظورش این بود که در وقت سحر طلب مغفرت کند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴- دعای مادر حضرت مریم (سلام الله علیها)

یکی از اموری که سرلوحه دعای اولیای الهی بوده درخواست از خداوند در جهت در امان ماندن از مکاید و وسوسه های شیطان بوده است. مادر حضرت مریم (سلام الله علیها) به هنگام ولادت او، از خداوند درخواست می نماید که او و فرزندانش را از گزند شیطان و وسوسه های او در امان بدارد: « فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ »<sup>۲</sup>؛ پس چون فرزندش را بزاد گفت پروردگارا من دختر زاده ام و خدا به آنچه او زایید داناتر بود و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می دهم.

مادر حضرت مریم که پس از گذشت سال ها، فرزندی نداشت و همواره به درگاه خداوند متعال دعا می کرد، نذر کرده بود که اگر خداوند به او فرزندی عطا کند، او را خادم بیت المقدس کند. از نوع نذر او مشخص می-

<sup>۱</sup> - تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران (۳) آیه ۳۶.

شود که او طالب فرزند پسر بوده است چرا که در آن زمان خدمتگزاری زنان در معابد یهودیان مرسوم نبوده است. مقصود این آیه آن است که خداوند می‌فرماید: ما می‌دانیم که فرزند او دختر است، لیکن با دختر کردن فرزند او خواستیم آرزوی او را به بهترین وجه برآوریم، به طریقی که او را خشنودتر سازد و اگر او می‌دانست که فرزند در شکم او را دختر کردیم هرگز حسرت نمی‌خورد و آن‌طور اندوهناک نمی‌شد، او نمی‌دانست که اگر فرزندش پسر می‌شد، امیدش آن‌طور که باید محقق نمی‌شد و ممکن بود نتایجی که در دختر شدن فرزندش هست در پسر شدن آن نیز به دست آید، اما نهایت نتیجه‌ای که ممکن بود از پسر بودن فرزندش بدست آید این بود که فرزندی چون عیسی از او متولد شود، که پیامبری باشد شفا دهنده کور مادرزاد و بیمار برصی و زنده کننده مردگان. اما در دختر بودن حملش نتیجه‌ای دیگر نیز عاید می‌شود و آن این است که کلمه الله تمام می‌شود و پسری بدون پدر می‌زاید و در نتیجه هم خودش و هم فرزندش آیتی و معجزه‌ای برای اهل عالم می‌شوند، پسری می‌زاید که در گهواره با مردم سخن می‌گوید، روحی و کلمه‌ای از خدا می‌شود، فرزندی که مثلش نزد خدا، مثل آدم است، از او و از مادرش آن دختر طاهره مبارکه، آثار و برکات و آیات روشن دیگر بروز می‌کند.<sup>۱</sup>

این داستان قرآنی این نکته را یادآور می‌شود که والدین برای داشتن فرزندی صالح و مورد رضای خداوند هرگز ناامید نشوند و دست از دعا برندارند و همواره برای اصلاح فرزندان خود از خداوند یاری خواسته و عالی‌ترین مقام‌ها را برایشان از خداوند متعال مسئلت کنند. چنان‌چه امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند:

« يَا مُيَسِّرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنَزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَلَا أَنْ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَلَا لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطَ يَا مُيَسِّرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُؤَشِّكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ<sup>۲</sup> ؛ ای میسر دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)، همانا نزد خدای عزوجل منزلت و مقامی است که بدان نتوان رسید جز به درخواست و مسئلت و اگر بنده‌ای دهان خود را ببندد و درخواست نکند چیزی به او داده نشود، پس درخواست کن تا به تو داده شود، ای میسر هیچ دری نیست که کوبیده شود جز این که امید آن رود که به روی کوبنده باز شود.

<sup>۱</sup> - تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، ص ۲۶۹.

<sup>۲</sup> - اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، حدیث ۳.



در قرآن دعا‌های متعددی وجود دارد که اولیای خاص خدا در حق فرزندان خود عرضه داشته‌اند که در متن بالا به تعدادی از آن‌ها اشاره شد. با مطالعه ادعیه قرآنی می‌توان به نکات قابل توجهی دست یافت که کمک بزرگی به تربیت صحیح فرزندان و سعادتمندی آن‌ها می‌کند و در نتیجه به تحکیم بنیان خانواده و پرورش نسلی صالح، منجر می‌شود. در تمام این ادعیه، والدین در حق فرزندان خود، دعا‌های نیک و پر خیر و برکتی عرضه داشته‌اند و همواره خیر و صلاح خانواده و فرزندان خویش را از خداوند مسئلت کرده‌اند. اگر دعای خیر والدین درباره فرزندان‌شان به اجابت برسد منجر به پرورش فرزندان صالح و در نتیجه نسلی صالح و سالم می‌شود. فرزندان که مورد رضایت پروردگار هستند و نهایت تلاش خود را می‌کنند تا از گناهان اجتناب کنند، مراقبند که حقی از افراد خانواده، دوستان، آشنایان و... را ضایع نسازند، به پدر و مادر خود احترام می‌گذارند و به آن‌ها خدمت می‌کنند. این ویژگی‌ها بر اثر تربیت صحیح و به برکت دعای خیر والدین در آن‌ها بوجود آمده است. در چنین خانواده‌هایی محیط خانه به دور از دغدغه و نگرانی و تشویش است و آرامشی که نتیجه اطاعت از پروردگار است در آن‌جا حکم فرماست. تمام اعضای خانواده در محیطی امن و با آرامش کامل به امور مربوط به خود رسیدگی می‌کنند و به اهداف متعالی دست می‌یابند. علاوه بر این، دعای خیر، به تنهایی، بر روحیه والدین و فرزندان تاثیر مثبت می‌گذارد و باعث افزایش مهر و محبت و تقویت روحیه امید، گذشت و عشق به فرزندان شده و انگیزه والدین را برای تربیتی صحیح و متعالی افزایش می‌دهد. در مقابل اگر والدین فرزندان خود را نفرین کنند، گذشته از اثرات بدی که بر روحیه پدر و مادر و فرزندان گذاشته، از آن‌جا که دعای پدر و مادر مستجاب است، باعث بدبختی فرزندان و از هم پاشیدن بنیان خانواده می‌شود. شفقت و عطوفت والدین و اخلاق اسلامی، ایجاب می‌کند که حتی اگر پدر و مادر از فرزندان خود بدی دیدند، آن‌ها را نفرین نکنند، چون نفرین باعث کینه می‌شود و رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان را کم‌رنگ می‌کند. چه خوب است که والدین در حق فرزندانشان ( که به آن‌ها بدی روا داشته است)، دعای خیر نمایند و اصلاح آنان را از خداوند بخواهند، چه بسا این کار، باعث تنبه و شرمساری فرزندان شده و با دیدن مهربانی و شفقت بی نهایت پدر و مادر، از کار خود پشیمان شده و به راه راست بازگردند. پیامبر خدا (صلی

الله علیه و اله و سلم) فرمودند: « خداوند رحمت کند آن کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به خویش کمک می‌کند، بدین‌گونه که از خطای او در می‌گذرد و به درگاه خدا برایش دعا می‌کند.»<sup>۱</sup>

آنچه باعث رضایت والدین از فرزندان خود می‌شود این است که اعمال و رفتار آنها تجسم‌گر روح پاک والدین گردد و اگر فرزند فاقد چنین پیوندی شد، پیوند مادی و جسمی او بی ارزش بوده و عملاً نادیده گرفته می‌شود و به این حقیقت در سرگذشت فرزند نوح تصریح شده است.

خداوند به نوح دستور ساختن کشتی را داد و نوید داد که در جریان طوفان، از خاندان او به کسی آسیب نمی‌رسد، وقت عذاب الهی فرا رسید و آب از بالا و پایین، منطقه را فرا گرفت، نوح به فرزند خود اصرار ورزید که هر چه زودتر سوار کشتی شود تا از غرق نجات یابد ولی او به خاطر دوگانگی که از نظر تفکر و رفتار، با پدر داشت، از سوار شدن ابا ورزید و گفت: به کوه بلندی پناه می‌برم که مرا از غرق نجات بخشد. نوح او را نصیحت کرد و گفت: امروز برای کسی، جز پناه خدا (کشتی) پناه‌گاهی نیست، امواج کوبنده آب به تدریج بالا آمد و فرزند عاصی نوح را در کام خود فرو برد، نوح دست به نیایش بلند کرد و گفت: «پروردگارا! فرزندم از خاندان من و وعده تو، وعده حق است و تو بهترین داور هستی». در این موقع خطاب آمد: «... إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...»<sup>۲</sup>؛ او از خانواده تو نیست، او فردی ناصالح و انجام دهنده کارهای غیرصالح است.

این آیه به روشنی می‌رساند فرزندی که پیوند مکتبی او با پدر قطع گردد، فرزند واقعی او نیست، فرزند واقعی انسان، فرزندی است که پیوند فکری و معنوی او با پدر قطع نگردد.

دومین نشانه نسل صالح این است که نه تنها خود صالح باشد، بلکه به پاس خدماتی که والدین در حق او انجام داده‌اند، در خدمت آنان قرار گیرد و صلاح او به نفع والدین نیز تمام شود.

قرآن پیرامون انسان مومنی که به سن چهل سالگی رسیده، سخن می‌گوید و او را چنین توصیف می‌کند: «... قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي

<sup>۱</sup> - محمد، محمدی ری شهری، نهج الدعاء، ج ۲، ص ۳۱.

<sup>۲</sup> - سوره هود (۱۱) آیه ۴۶.

ذُرِّيَّتِي...»<sup>۱</sup>؛ آنگاه که انسان به سن چهل سالگی رسید چنین گفت: خدایا به من بیاموز (موفقم گردان) تا شکر نعمتی را که بر من و والدینم عطا فرمودی، به جا آورم و کار شایسته‌ای را که خشنودی تو در آن است انجام دهم و فرزندانم را به نفع و سود من، صالح گردان.

جمله «أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» شاهد این شرط دوم است زیرا هرگز نمی‌گوید ذریه مرا صالح بگردان، بلکه آن نوع صلاح و شایستگی برای آنان می‌خواهد که به سود او نیز تمام شود یعنی در حال حیات و ممات والدین در خدمت آن‌ها باشد و به یک معنی می‌توان این ویژگی را نیز در ضمن ویژگی نخست باز یافت زیرا یک فرزند مکتبی و بالیمان، واجد چنین شرط نیز می‌باشد برعکس فرزندان ناصالح و فاسد، نه تنها سرانجام بدی دارند، بلکه در موقع نیاز والدین به کمک آنان نیز نمی‌شتابند و وجود آنان به ضرر و زیان والدین می‌باشد.

در سوره احقاف آیه ۱۷ وضع والدینی را شرح می‌دهد که از کفر فرزند خود به استغاثه درآمده و با کمال اصرار از او درخواست می‌کنند که به آغوش ایمان به خدا و ایمان به سرای دیگر بازگردد. آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفْ لَكُمْ أَوْ تَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرَانِ لِلَّهِ وَيُكَلِّمُ آمِنْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»<sup>۲</sup>؛ فرزندى به والدین خود گفت: اف بر شما باد! به من وعده می‌دهی که بار دیگر از دل زمین بیرون می‌آیم در حالی که گروه‌های زیادی در دل زمین رفته‌اند و بیرون نیامده‌اند، آن‌گاه پدر و مادر به استغاثه درآمده و به او می‌گویند وای بر تو، به خدا ایمان بیاور، وعده خدا (سرای دیگر) حق است ولی او می‌گوید این جز افسانه‌های پیشینیان چیزی نمی‌باشد.

در حدیثی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

آن‌گاه که فرزند آدم در می‌گذرد ارتباط او با این جهان از نظر بهره‌گیری قطع می‌شود، مگر در سه مورد که از آن‌ها بهره می‌برد و این سه مورد عبارتند از: ۱- «صدقه جاریه»؛ کار نیکی که پیوسته مردم از آن نفع

---

۱ - سوره احقاف (۴۶) آیه ۱۵.

۲ - سوره احقاف (۴۶) آیه ۱۷.

ببرند. ۲- «أَوْ عِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ» ؛ دانشی که مردم از آن بهره ببرند. ۳- «أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُوا لَهُ»؛ فرزند صالحی که در حق او دعا کند.<sup>۱</sup>

همچنین آن حضرت فرمودند:

حضرت مسیح از کنار قبری عبور کرد و آگاه شد که صاحب آن در عذاب است سال بعد، از آن نقطه عبور کرد و آگاه شد که عذاب از او برطرف شده است، خدا او را از این کار آگاه ساخت و معلوم شد که او فرد گنه‌کاری بود فرزند صالحی داشت. وقتی بالغ شد، راهی را اصلاح کرد و به یتیمی جای داد، خداوند به خاطر عمل فرزندش وی را بخشید.<sup>۲</sup>

در متون اسلامی، احادیث فراوانی پیرامون فضیلت دعا کردن برای دیگران و آثار فردی و اجتماعی آن یافت می‌شود که در اینجا، تعدادی از آن‌ها بیان خواهد شد:

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ ، مِثْلُ دُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ»<sup>۳</sup> ؛ دعای پدر برای فرزندش ، به سان دعای پیامبر برای امتش است.

همچنین آن حضرت فرمودند: «دُعَاءُ الْوَالِدِ لِلْوَلَدِ كَالْمَاءِ لِلزَّرْعِ بِصَلَاةٍ»<sup>۴</sup> ؛ دعای پدر برای فرزندش ، همانند آب برای رشد و پرورش زراعت است.

در فرآیند رشد و پرورش گیاهان و محصولات کشاورزی در کنار عواملی چون نور، کود، هرس و ... آب نیز نقش مهمی دارد و همه این عوامل با هم موجب رشد محصولات کشاورزی و به حاصل نشستن آن‌ها می‌شود، اگر آب نباشد کشاورزی به حاصل نمی‌رسد. اما آب به تنهایی هم نمی‌تواند موجب رشد گیاهان شود و عوامل دیگر نیز نقش بسزایی دارند. دعای پدر درباره فرزندش نیز همین‌گونه است و نقش مهمی در تربیت صحیح و سعادت‌مندی فرزند دارد اما به تنهایی موثر نیست و در کنار عوامل دیگر نتیجه‌بخش خواهد بود.

---

۱ - منشور جاوید، ج ۱۴، ص ۳۶۷-۳۷۰.

۲ - همان، ص ۳۷۰.

۳ - محمد، محمدی ری شهری، نهج الدعاء، ج ۲، ص ۲۸.

۴ - همان، ص ۳۰.

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، در قالب دعا به بیان مضامین بلند عرفانی، فلسفی، کلامی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و ... پرداخته‌اند. ایشان با ظرافتی خاص در لابه‌لای مناجات‌ها و نیایش‌هایشان، مباحث مختلف را آموزش داده‌اند. در دعای بیست و پنجم از صحیفه سجادیه با عنوان دعا برای فرزندان امام (علیه السلام) این چنین برای فرزندان دعا می‌کند:

بار خدایا! بر من مَنّت بگذار فرزندانم را زنده بدار و آنان را برایم صالح گردان و مرا از ایشان، بهره‌مند فرما. معبود من! عمرشان را برایم دراز گردان و بر مدت زندگانی‌شان بیفزای و خُردشان را برایم بیروان و ناتوانشان را نیرومند ساز، و تن و دین و اخلاقشان را سالم بدار و به جان و اندام‌ها و هر امری از امور آنان که دل نگران‌ش هستم، عافیت عطا فرما، و روزی‌های آنان را برای من و به دست من، فراوان ساز. ایشان را نیکوکار و پرهیزگار و بی‌نا و شنوا و فرمان‌بردار خودت، و دوست‌دار و خیرخواه دوستانت، و دشمن و متنفر از همه دشمنانت، قرار ده. آمین! بار خدایا! آنان را پشتیبان من، و کمک من در زندگی‌ام قرار ده، و به واسطه آنان، بر عده من بیفزای، و در بودنم، آنان را مایه آراستگی‌ام قرار ده، و یاد و نام مرا به واسطه آنان، زنده بدار و در نبودم، امورم را به وسیله آنان، کفایت فرما و آنان را یاور من در کارهایم قرار ده و ایشان را نسبت به من، دوستدار و مهربان و متوجه و درستکار و فرمان‌بردار، قرار ده. نه نافرمان و بدرفتار و مخالفت کننده و خطاکار. و مرا در تربیت و تعلیم آنان و نیکی نمودن به ایشان، یاری فرما. و مرا از جانب خود، افزون بر ایشان، پسرانی دیگر نیز ببخش، و آن را برایم خیر قرار ده، و به آنان در آنچه از تو خواستم، برایم کمک قرار ده، و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده [از درگاهت] پناه ده؛ زیرا تو ما را آفریدی و امر و نهی مان کردی، و به پاداش آنچه ما را بدان امر فرمودی، ترغیب نمودی و از کیفر آنچه ما را از آن نهی کردی، ترسانیدی و برای ما دشمنی قرار دادی که مدام، در صدد فریب ماست، و او را بر ما چنان تسلطی دادی که ما را بر او چنان تسلطی نبخشیدی؛ او را در سینه‌های ما جای دادی، و در رگ‌های خون ما جاری‌اش ساختی، به طوری که اگر ما [از او] غافل شویم، او [از ما] آدمی غافل نمی‌شود و اگر ما [او را] از یاد ببریم، او [ما را] از یاد نمی‌برد. ما را از کیفر تو آسوده خاطر می‌دارد؛ اما از غیر تو می‌ترساند. اگر آهنگ زشت‌کاری کنیم، ما را بر آن تشویق می‌کند و اگر آهنگ کاری نیک نماییم، ما را در آن سست می‌گرداند. با شهوات، قصد ما می‌کند و با شبهات، به سراغ ما می‌آید. اگر به ما وعده بدهد، دروغ می‌گوید و اگر امید بدهد، خلاف آن عمل می‌کند. اگر نیرنگ او را از ما نگردانی، گمراهمان می‌سازد و اگر ما را از تباه‌کاری او ننگه نداری، ما را می‌لغزاند. بار خدایا! پس با چیرگی خودت، او را از چیرگی بر ما ناتوان ساز، تا با خواندن بسیار تو، او را از ما باز داری و به یاری تو از نیرنگ او مصون بمانیم. بار خدایا! همه خواهش‌هایم را به من عطا فرما و حاجت‌هایم را برآورده ساز و مرا از اجابت [دعا] که آن را برایم ضمانت کرده‌ای، محروم مگردان و دعایم را که تو خود، مرا بدان فرمان داده‌ای، از درگاهت باز مدار و هر آنچه را که در دنیا و آخرت باعث اصلاح حال من است، به

من ارزانی دار؛ چه آن‌هایی را که یاد کردم و چه آن‌هایی را که فراموش کردم؛ چه آن‌هایی را که به زبان آوردم و چه آن‌هایی را که در دل داشتم؛ چه آن‌هایی را که آشکار نمودم و چه آن‌هایی را که پنهان داشتم. و در همه این‌ها، مرا، به سبب درخواستم از تو، از درست‌کاران قرار ده، از دست یابندگان به تقاضایشان از تو، از محروم ناشدگان از توکل بر تو، از خوگرفتگان به پناه جُستن از تو، از سود برندگان در سودای با تو، از پناهندگان به عزّت تو، از آنان که از فضل خود، روزی حلال را برایشان فراخ گردانیده‌ای، و به جود و کرمّت به ایشان، گشایش داده‌ای؛ از آنان که به واسطه تو از ذلّت به عزّت رسیده‌اند، و از ستم، به عدل تو پناه آورده‌اند، و به رحمت تو از بلا رَهیده اند و به توانگری تو، از فقر به بی‌نیازی رسیده‌اند، و به برکتِ پروای از تو، از گناهان و لغزش و خطا، مصون مانده‌اند و بر اثر طاعت تو، به خوبی و هدایت و درستی، توفیق یافته‌اند و به واسطه قدرت تو، میان آنان و گناهان، مانع پدید آمده است؛ آنان که هر معصیتی را وا نهاده‌اند و در جوار تو آرمیده‌اند. بار خدایا! همه این موهبت‌ها را به توفیق و رحمت، به ما عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ، پناه ده و همانند آنچه را برای خودم و فرزندانم در دنیا و آخرت از تو خواستم، به مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان مؤمن نیز عطا فرما، که به راستی تو نزدیک و اجابت کننده و شنوا و دانا و با گذشت و آمرزنده و رؤف و مهربانی. ما را در دنیا، نیکی ده و در آخرت نیز، نیکی ده و از عذاب آتش، نگاهمان بدار.<sup>۱</sup>

امام سجاد(علیه‌السلام) در صحیفه سجادیه موضوعات مختلفی را در قالب دعا مطرح نموده‌اند و به تعلیم و تبیین آن‌ها پرداخته‌اند. برخی موضوعات به صورت پراکنده و در ضمن دعا‌های مختلف بیان شده‌اند و برخی دیگر به عنوان موضوعات اصلی، عنوان یک دعا را به خود اختصاص داده‌اند. در دعای بیست و پنجم، امام (علیه‌السلام) به دعا برای فرزندانشان پرداخته‌اند که این نشان‌دهنده اهمیت دعا برای فرزندان است. امام (علیه‌السلام) در این دعا به بیان چگونگی تربیت فرزند صالح، در ابعاد گوناگون پرداخته و اهداف مهم تربیت فرزندان را به والدین آموزش می‌دهد. در واقع ایشان مسیری را که والدین باید برای سعادت‌مندی فرزندان و در نتیجه تحکیم بنیان خانواده طی کنند در این دعا به خوبی ترسیم نموده‌اند و از آنجا که ائمه (علیهم‌السلام) معصوم هستند و به منبع علم لایزال الهی متصلند، قطعاً بهره‌گیری از آموزه‌های ایشان، انسان را سعادت‌مند می‌کند. در نتیجه خواندن دعا‌هایی که معصومین (علیهم‌السلام) در حق فرزندان‌شان عرضه داشته‌اند علاوه بر اثرات روحی و روانی که بر افراد خانواده می‌گذارد می‌تواند منبع مطمئن برای والدینی باشد که در پی تربیت فرزندانی صالح هستند. در این دعا موضوعات مختلف تربیتی وجود دارد که با به کارگیری آن -

<sup>۱</sup> - صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

ها می‌توان به استحکام روابط بین اعضای خانواده با یکدیگر و پرورش نسلی صالح دست یافت. در ادامه بخشی از آموزه‌هایی که از این دعا دریافت شده بیان می‌شود:

#### ۴-۵- آموزه های تربیتی دعا

فرزند، نعمت خداست و شکر این نعمت واجب است و ادای این شکر به این است که انسان آنان را عبد خدا و انسانی صالح و موجودی شایسته تربیت کند که زحمت در این راه، برترین عبادات و بهترین کارهاست. هنگامی که اولاد انسان به تربیت الهی و اخلاق نیکو و عقاید حق و اعمال صالح آراسته شود، غیر از بهره-های دنیایی و آخرتی که نصیب اولاد می‌گردد، پدر و مادر هم در ثواب آن برنامه‌ها، بنابر آیات قرآن و روایات شریکند و به همین خاطر اولاد در فرهنگ اسلام از جایگاه بلندی در حیات انسان برخوردار است و دوام عمر، همراه با تربیت الهی او باعث خیر دنیا و آخرت آدمی است از این نظر حضرت زین العابدین (علیه-السلام) در جمله اول این دعا از حضرت حق، تقاضای بقای اولاد می‌نماید.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه‌السلام) در تربیت فرزندان از خداوند متعال می‌خواهد که توفیق آموختن ادب و نیکی کردن به آنان را، به ایشان عطا فرماید. این امر، نشان از دقت بالای آن حضرت دارد که تمامی مراحل تربیتی فرزندان را از درگاه خداوند متعال مسئلت کرده‌اند. چراکه بدون دعا و درخواست از قادر متعال، در اجرایی شدن اهداف تربیتی توفیق خاصی پیدا نخواهد شد.

با تربیت درست کودک، از لحاظ فردی، می‌توان فردی صالح و دارای ایمان و اخلاق اسلامی ساخت؛ زیرا شخصیت انسان غالباً از همان سال‌های اولیه زندگی در محیط خانواده شکل می‌گیرد. گرایش‌ها، نگرش‌ها، افکار، عادات و رفتار انسان از خانه آغاز و با عوامل موجود در محیط تکمیل و تقویت می‌شود. آنچه کودک از آغوش خانواده دریافت می‌کند در طول زندگی همراه دارد. افراد صالح و رهبران دینی عموماً از خانواده-های متدین پرورش یافته و ارزش‌های دینی را از آنجا فراگرفته‌اند. بر این اساس تربیت دینی از نظر فردی، ارتباط انسان را با خدا محکم می‌کند و زمینه خدمت به اسلام و مردم را در نهاد او فراهم می‌سازد.

---

<sup>۱</sup> - حسین، انصاریان، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، ج ۹، ص ۲۹۱.

تربیت دینی خانواده از نظر اجتماعی نیز آثار قابل توجهی دارد؛ زیرا جامعه از واحدهای کوچکی به نام خانواده تشکیل شده و اگر این واحدها اصلاح گردد مسلماً جامعه اصلاح می‌شود. خانواده‌ها به عنوان هسته اصلی جامعه، در اصلاح و یا افساد آن نقش اساسی دارند اگر نسل امروز با برنامه‌های درست دینی و اخلاقی تربیت یابند، اجتماع آینده یقیناً، صالح و تکامل یافته خواهد بود، بدین روی پدران و مادران مسئولیت بزرگی در برابر جامعه دارند و باید در انجام آن سعی و تلاش فراوان نمایند. مجموعه وظایف و حقوقی که هر یک از اعضای خانواده به عهده دارند، اگر آگاهانه، مومنانه، دلسوزانه و خدایسندانه در قبال یکدیگر، رعایت گردد و با مدیریت مسئولانه و مشترک مرد و زن تحقق عینی یابد، علاوه بر این که یک نظام خانوادگی دارای ارزش ذاتی، شکل می‌گیرد و در بستر آرامش‌آفرین آن، فرزندان موفق‌تر پرورش خواهند یافت، این هسته و نهاد اجتماعی می‌تواند یک تمرین بزرگ عملی برای تحقق مدیریت‌های کلان اجتماعی فراهم آورد.

براساس آموزه‌های دینی والدین نه تنها مسئول برآوردن نیازهای معیشتی و روانی فرزندان و کشف استعدادها و مراقبت از آنها هستند بلکه در ساحت اندیشه‌های بنیادین و نگاه فرزندانشان به هستی و آغاز و انجام زندگی نیز مسئولیت داشته و وظیفه مراقبت و حمایت از آنها را برعهده دارند.

حب اهل بیت و بغض دشمنان ایشان، یکی از اصول مهم تربیتی است که واکسینه کردن مغز و اندیشه فرزندان، در این باب ضروری است. بسیاری از سفارش‌های اخلاقی و تربیتی روایات ما جنبه پیشگیری دارد و مانند واکسن عمل می‌کند تا فکر فرزند را از دوران کودکی در برابر انواع انحرافات و مفاسد بیمه کند.

در نگاه امام سجاد (علیه‌السلام) فرزند، مونس و امید و بازوان پدر و مادر است و به وجود و توانایی فرزندان، نسل انسان باقی می‌ماند و در کهنسالی برای آنان یاور و هم‌زبان و همدم خوبی خواهد بود.

حضرت در این دعا پرده از نیرنگ شیطان برداشته و هشدار داده است که به وعده‌های او اعتنا نکنید. وعده‌های او دروغ و آرزوهایی که در دل می‌کارد همگی نیرنگ و فریب است و هیچ‌یک لباس عمل نمی‌پوشد و این از بزرگترین حيله‌های دشمن است. یقیناً حضرت با آن دعا انسان مومن را متوجه مهم‌ترین راهکار مقابله با شیطان نموده‌اند زیرا دعا و نیایش در فعالیت‌های ذهنی و قلبی انسان حالت شکوفایی باطنی و روح



قهروانی را می‌پروراند قلب و روح آدمی از راه دعا به خداوند و بندگان او پیوند پیدا می‌کند. تنها قدرت خداوند می‌تواند بر شیطان چیره شود و تنها با دعا میتوان رحمت الهی را جلب نمود.<sup>۱</sup>

سخن پایانی این‌که، دعا باعث افزایش محبت و تحکیم بنیان خانواده و روابط درون خانواده‌ها می‌شود. اما باید توجه داشت که دعا، تنها راه تحکیم روابط، در خانواده نیست بلکه باید با تلاش و کوشش همراه باشد. به دیگر سخن، دعا در اسلام در کنار مسئولیت است نه جایگزین آن. استمداد از خداوند متعال به منظور برخورداری از یک زندگی سالم و متعالی، علاوه بر این که اعضای خانواده را متوجه مسئولیت‌های مشترک و اختصاصی خود برای رسیدن به این هدف می‌نماید، آثار و برکات فراوانی برای آنان به همراه دارد. به همین دلیل است که پیامبران و اولیای خاص خداوند نخستین کسانی بوده‌اند که همواره، صلاح و سعادت خانواده خود را از خداوند متعال خواسته‌اند و به پیروان خود آموخته‌اند که برای برخورداری از زندگی شایسته، در کنار مسئولیت‌ها، نیازمند به دعا نیز هستند.

### نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان گفت در صورتی که آموزش‌های دینی بتواند به نحو مؤثری در باورهای خانواده‌ها جای گیرد و در آن نهادینه شود و سپس با واسطه‌هایی از قبیل دعا، انجام فرایض دینی و شرکت در مناسک دینی تقویت شود موجب تحکیم خانواده و جامعه می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - مجید، پاک طینت، مستندات قرآنی دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه با رویکردی به روابط خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قرآنی خوی.

واز سوی دیگر خود به عنوان عاملی منجر به کسب تجربه های معنوی در زندگی و به نوبه خود موجب تقویت دین داری در افراد می شود و می تواند به تقویت احساس همبستگی در خانواده کمک کند. بر اساس این مطالعات قرائت دعا هم از نظر لفظی و هم از جهت محتوا و مضمون اثر بخش بوده به گونه ای که اگر نیایشگر الگوی فکری، رفتاری و عاطفی خود را با آموزه های دعا هماهنگ نماید و طبق آن عمل کند، جسم و روانی سالم خواهد داشت که منجر به این می شود که فرد هم خود و هم خانواده اش از سلامت روحی و جسمی برخوردار باشند. و در گرو اعتقاد به دین وسیعی در انجام وظایف خود برای کسب رضایت خالق ، خانواده ای مستحکم و راضی داشته باشند.

## فهرست منابع

۱. پناهی، علی احمد، آرامش در پرتو نیایش، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت الله علیه)، ۱۳۸۸.
۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (صورت و سیرت انسان در قرآن)، تنظیم و ویرایش غلامعلی امین دین، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۳. حکیمی، محمدرضا، جامعه سازی قرآنی، چاپ هفتم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲.
۴. حلی، ابن فهد، آداب راز و نیاز به درگاه بی نیازی، ترجمه محمد حسین نائیجی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیا، ۱۳۸۱.
۵. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۶. صحیفه سجادیه، دعاهاى اول، ترجمه حسن غرویان و عبدالجواد ابراهیمی، چاپ پنجم، انتشارات الهادی، ۱۳۷۹.
۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۸. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ج ۷، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ سی و ششم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۱۰. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات بنیاد بهشت، ۱۳۷۷.
۱۱. کارل، الکسیس، نیایش، ترجمه دکتر علی شریعتی، ج ۱، مشهد، انجمن دانشجویان مشهد، ۱۳۳۹.
۱۲. کارنگی، ویل، آیین زندگی، ترجمه ریحانه سیف، تهران، نشر پیمان، ۱۳۸۰.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ معین فارسی، ج ۴، چاپ دوم، تهران، انتشارات ثامن، ۱۳۸۶.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۵. ۱۳۸۳.
۱۶. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، ج ۸، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.

منابع عربی:

۱. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، الخصال، ج ۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن فهد، احمد بن محمد، عدة الداعي، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی الثالی، ج ۱، چاپ اول، قم، سیدالشهداء، ۱۴۱۰ق.
۵. انیس، ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، ترجمه محمد بندرریگی، ج ۱، چاپ هشتم، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۷. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۳۸۰.
۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت-لبنان، انتشارات الامیره، ۱۴۳۱ق.
۹. شعرانی، ابوالحسن، دایره المعارف لغات قرآن مجید، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲.
۱۰. عسکری، حسن، معجم الفروق اللغویه، محقق بیت الله بیات، ج ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۱. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، معجم القاموس المحیط، لبنان، انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۳۰ق.
۱۲. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۱، بی جا، انتشارات فراهانی، ۱۳۴۴ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۰ و ۹۳ و ۹۱ و ۶۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج ۱۲، قم، انتشارات حوزه علمیه قم، ۱۳۹۶ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، قم، دارالحديث، ۱۳۶۲.
۱۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۴، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۷. معلوف، لويس، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، ج ۱، چاپ پنجم، انتشارات ایران، ۱۳۸۴.
۱۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.

۱. اکرمی، غلامرضا، دعا و نیایش در ادیان، اخبار ادیان، ۱۳۸۷، شماره ۲.
۲. ایلائی، احترام السادات و دیگران، مقاله ارتباط دعا با سلامت معنوی سالمندان ایرانی مبتلا به حوادث عروقی مغزی (CVA)، ۱۳۹۵، دوره ۱۱، شماره ۳.
۳. زرسازان، عاطفه، آداب دعا در نیایش های انبیاء، نشریه بینات، شماره ۵۵، ۱۳۸۷.
۴. سبحانی نیا، محمد، آثار تربیتی و روان شناختی دعا، فصلنامه راه تربیت، سال ششم، ۱۳۹۰، شماره ۱۵.
۵. قدس، صهبا، دعا و نقش آن در بهبود فعالیت های روانی، ۱۳۸۰، شماره ۲۶۵.
۶. وحیدی، شهاب الدین، دانش نامه دین، هفت آسمان (فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب)، سال هشتم، ۱۳۸۵، شماره ۳۱.
۱۳. ملکی تبریزی، میرزا جواد، المراقبات، ترجمه تحریرچی، قم، انتشارات عروج، ۱۳۶۲.
۱۴. برازش، علیرضا، قرآن صاعد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۱۵. عبداللهی عابد، صمد، شرایط و آثار تربیتی دعا در اسلام، مجله شمیم یاس، ۱۳۸۵.
۱۶. عطاردی، عزیزالله، مسند امام رضا، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالصفوه، ۱۴۱۳ق.
۱۷. قائمی، علی، نگرش و رفتار دینی در دانش آموزان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۴.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۶، چ ۳، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۹. افروز، غلامعلی، روشهای پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۶۷.
۲۰. مهدوی کنی، محمد رضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۱. مجید، پاک طینت، مستندات قرآنی دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه با رویکردی به روابط خانوادگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قرآنی خوی.